

تن فروشی

سعید مدنی قهفرخی^{*}، پیام روشن فکر^{**}، مروارید شهریاری منش^{***}

مقدمه

برای harlot، slut، hooker، sex worker، prostitute نامیدن این گروه از افراد استفاده می‌شود. البته این واژه‌ها نسبت‌های متفاوتی با روسپیگری دارند و حداقل به سه دستهٔ مجزا تقسیم می‌شوند. گروهی از آنها معادل‌های زبانی/محاوره‌ای هستند که فقط برای شناسایی و دلالت به کار می‌روند، مثل prostitute و hooker. دستهٔ دوم واژه‌هایی هستند که بیان‌کنندهٔ انواع روسپیگری‌اند و برای طبقه‌بندی و تفکیک به کار می‌روند، مثل B-girl، geisha، call girl، courtesan. گروه سوم واژه‌هایی هستند که متخصصان علوم اجتماعی وضع کرده و برای توضیح بار مفهومی و حقوقی و نظری موضوع به کار گرفته‌اند، مثل sex worker. در زبان فارسی واژه‌های ناجیب، بدکاره، هرجایی، لکاته، سلیطه، قحبه، جنده، فاحشه، ماقه‌سگ و احياناً واژه‌های محلی بسیار برای نامیدن زنانی که از طریق روسپیگری امرار معاش می‌کنند به کار رفته و می‌رود که همگی بار معنایی منفی دارند (مهاجر، ۱۳۸۶). اخیراً در متن‌های برخی سازمان‌های دولتی از عبارت «زنان ویژه» هم برای نامیدن این زنان استفاده می‌شود. فارلی و همکارانش روپی را زنی می‌دانند که مخارج زندگی خود را به طور کلی یا جزئی از طریق تسلیم خویش به دیگران به منظورهای جنسی تأمین می‌کند. این روابط جسمی بدون محبت و موقتی است و اگر رابطهٔ عاطفی در آن دخالت داشته باشد، فحشا نام نخواهد داشت. این اصطلاح تنها به کسانی اطلاق نمی‌شود که تمام عمر به فحشا اشتغال دارند، بلکه هر زن یا مردی که، در ضمن اشتغال به کارهای دیگر، گاهی با دریافت پول به روابط جنسی تن می‌دهد، در طی مدتی که این رفتار را دارد، روپی نامیده می‌شود (به نقل از کامرانی فکور، ۱۳۸۱).

تن فروشی در گروه مشکلات اجتماعی قرار دارد و در بسیاری از کشورها جرم محسوب می‌شود؛ به علاوه، خوردن برچسب «روسپی» یا «تن فروش» به یک دختر یا زن حتی در صورت عدم صحبت می‌تواند همهٔ زندگی و حیات او را در معرض تهدید قرار دهد. دسترسی به اطلاعات مربوط به تن فروشی بسیار دشوار و مستلزم جلب اعتماد زنان تن فروش است. در ایران، دسترسی به اطلاعات رسمی در این مورد بسیار دشوار است ضمن آنکه تعداد مطالعات نیز دربارهٔ آن بسیار اندک است. در واقع، در اکثر موارد، تن فروشان در ردیف جمعیت‌های پنهان^۱ قرار دارند و از این رو، مطالعه دربارهٔ آنها بسیار دشوار است. در عین حال، همهٔ این دشواری‌ها هرگز به معنای نادیده گرفتن پدیده یا ناممکن بودن شناخت آن نیست. اکنون روشن شده که بخشی از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی جامعه با وضعیت این گروه از زنان مرتبط است. بنابراین، شناخت ویژگی‌های جمعیتی، خانوادگی و الگوهای کار این زنان برای برنامه‌ریزان اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است.

۱. تعاریف

معادل‌های عربی روپی یا تن فروش عبارت‌اند از: ماجن، عاهره، زانیه، مومس، بنت هوی، و مترادف‌های فارسی آن فاحشه، قحبه، جنده، زانیه، زنجه است. در زبان انگلیسی نیز از واژه‌هایی چون

* دکترای جرم‌شناسی

** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی

*** کارشناسی مدیریت

1. hidden population

تخصیص داده شد، به دلیل وجود مشکلات ساختاری، در اختیار آنان قرار نگرفت. ارزیابی مورد اشاره نشان داد که توسعه فرایندی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که چشم‌انداز ایدئولوژیک افراد کترل‌گر و هدایت‌کننده آن را منعکس می‌کند. به همین جهت، توسعه فارغ از جنسیت نیست چرا که طراحی نقشه‌ها و برنامه‌های توسعه حاکی از جانبداری جنسیت‌گرایانه تکنوکراسی تحت سلطه مردان بوده است (کولایی، ۱۳۸۴). بر این اساس، توسعه هیچ‌گاه جریانی بی‌طرف نبوده و همواره و از جهات بسیار زنان را مورد غفلت قرار داده یا حتی تهدید کرده است (تورس و روزاریو، ۱۳۷۵).

در جهان معاصر، زنان حدود ۴۰ درصد از نیروی کار مزدگیر را تشکیل می‌دهند، اما به طور متوسط سه‌چهارم مردان مزد می‌گیرند و تنها ۲۶ درصد درآمد به آنان تعلق می‌گیرد. تقریباً همه کارهای خانگی را زنان انجام می‌دهند، در حالی که این کار در محاسبات اقتصادی سنجیده نمی‌شود. با آنکه ۶۷ درصد ساعت کار جهان به زنان تعلق دارد، آنان کمتر از یک درصد ثروت جهان را در اختیار دارند. از حدود ۱/۳ میلیارد فقیر جهان، ۷۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. اگرچه تعداد زنان در آموزش عالی سراسر جهان افزایش یافته است، همچنان دوسرم بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند. به علاوه، فقط ۱۵ درصد مقام‌های اداری و اجرایی را زنان در اختیار دارند (تورس و روزاریو، ۱۳۷۵؛ مرتوس، ۱۳۸۲). زنان به علت اینکه مورد استثمار مردان قرار دارند، همواره محروم و بی‌قدرتاند. همچنین، برای زنان و مردانی که در جهت تأسیس یک جامعه جدید و خالی از تبعیض می‌کوشند، روابط نابرابر جنسیتی به صورت یک مسئله جدی درآمده است (تورس و روزاریو، ۱۳۷۵).

از دهه ۱۹۸۰ به بعد، مفهوم «جنسیت و توسعه» تا حدود زیادی جانشین عبارت «زن در توسعه» شد. جنسیت و توسعه با زنان کاری ندارد، بلکه به ساخت اجتماعی جنسیت و تلقی جامعه از نقش و مسئولیت زنان و مردان و انتظارات جامعه از آنان می‌پردازد. همچنین جنسیت و توسعه به تحلیل ماهیت فعالیت‌هایی که زنان در خارج و داخل خانه انجام می‌دهند توجه دارد (کولایی، ۱۳۸۴: ۴۲). بر مبنای همین جهت‌گیری جنسیتی، سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ نخستین بار گزارشی را با عنوان «توسعه انسانی در سطح جهان» منتشر کرد که در آن تأکید شده بود توجه صرف به

بلوج در تعریفی که از فحشا می‌کند آن را بسیار به روابط جنسی خارج از ازدواج مرتبط می‌سازد (Bullough and Bullough, 1996). یانگ و همکارانش در تعریف تن فروشی بر سازمانی بودن آن تمرکز دارند. از نظر آنان فحشا «سازمان یا الگویی از تعامل بین فردی و منحصر به زمان بین افرادی است که از حیث اجتماعی به هم مرتبط نیستند و شامل خرید و فروش خدمات سکس با یک قیمت شناخته شده و مورد توافق است» (به نقل از نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴). گینز زنانی را روسپی می‌داند که، در یک معامله پایاپایی، خدمات جنسی ارائه می‌دهند (گینز، ۱۳۷۷).

در راهنمای تحلیل وضعیت کارگران جنسی، کار جنسی یا روسپیگری این‌گونه تعریف شده است: «هر توافقی میان دو یا چند طرف که هدف آن منحصر به عمل جنسی باشد و با انجام آن پایان یابد و همچنین دربرگیرنده مذاکرات اولیه بر سر یک قیمت (دستمزد) باشد؛ بنابراین، با قراردادهای ازدواج و حمایت جنسی (sexual patronage) (World Bank and UNAIDS, 2000) روسپیگری در قوانین جزایی ایران، اعم از قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی، تعریف نشده است. در مجموع، با توجه به شرایط ایران، می‌توان روسپی را عبارت دانست از «زنی که بدون رعایت ضوابط قانونی و شرعاً و به عنوان حرفة، امرار معاش و کسب درآمد، در برابر دریافت پول، کالا یا خدمات، خدمات جنسی مربوط به تن خودش را به دیگران ارائه می‌دهد». این تعریف همه موارد تن فروشی در دیگر کشورها را پوشش نمی‌دهد و از بسیاری جهات از جمله جنسیت و مبنای رابطه (ضوابط قانونی و شرعاً) تفاوت بسیاری با تعریف پدیده در دیگر کشورها دارد (مدنی قهفرخی و دیگران، ۱۳۸۶).

۲. رویکرد نظری: زنان، توسعه و تن فروشی

در نیمة اول دهه ۱۹۶۰ آشکار شد که میزان توسعه اندازه‌گیری شده بر مبنای افزایش تولید ناخالص ملی به کاهش نایابی‌ها نینجامیده و تأثیر مشتبی بر زندگی عموم مردم از جمله زنان نداشته است (شادی طلب، ۱۳۸۱). به همین جهت، از دهه ۱۹۷۰، مسائل مربوط به زنان به تدریج وارد فرایند برنامه‌های توسعه ملی شد. در طول این دهه، بسیاری از کشورها مسائل مربوط به زنان را آشکارا در برنامه‌های توسعه خود گنجاندند، اما باز هم نتوانستند به بسیاری از نیازهای زنان پاسخ گویند. از سوی دیگر، منابعی که به زنان

محصول فرایند توسعه نامتوازن و ناپایدار است آنان را به عنوان یک گروه محروم به طرف ارتکاب جرایم مختلف سوق می‌دهد. در زمینه رابطه عمومی بین عوامل اقتصادی و بزهکاری، معمولاً از عوامل اقتصادی به عنوان مهم‌ترین دلیل فحشا و تن فروشی یاد می‌شود. هاردمان^۳ می‌گوید: «به دلیل محدودیت‌های مالی و اقتصادی ممکن است برخی زنان برای مقاومت در برابر فقر به فحشا روی آورند. به عبارت دیگر، گاهی فحشا یک استراتژی فعال در مواجهه با فقر است چرا که در دنیاگیری که مردان نسبت به زنان از هر حیث حقوق بیشتری دارند، شاید فحشا تنها راهی باشد که بیشتر زنان فاقد حامی (شوهر، پدر و برادر) را قادر به ادامه حیات سازد» (به نقل از وروایی، ۱۳۸۴).

تن فروشی تا اندازه‌ای بازتاب فرصلت‌های نسبتاً محدود زنان در کسب شغل، درآمد خوب، استقلال اقتصادی و تأمین مالی است. تن فروشی می‌تواند برای زنانی که از لحاظ اقتصادی درآمد کمی دارند جاذبه‌هایی داشته باشد، به ویژه آنکه زنان اغلب می‌توانند از تن فروشی درآمدی به مراتب بیشتر از بسیاری از انواع کارهای قانونی به دست آورند (گرت، ۱۳۸۲). بر این اساس، اگرچه تن فروشی در کشورهای کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه با توسعه ناپایدار و نامتوازن مرتبط است، با توجه به رواج نسبتاً بالای روسپیگری در جوامع توسعه یافته، نقش دیگر متغیرها در این زمینه غیرقابل انکار است.

۳. وضعیت دیگر کشورها

سیاست جنایی دولت‌ها در برابر پدیده روسپیگری متفاوت است. در نظامهای حقوقی ممنوعیت‌گرا^۴ (مانند ایالات متحده امریکا، چین، برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس) روسپیگری، سازماندهی و بهره‌برداری از آن ممنوع است و جرم تلقی می‌شود. بدین سان، روسپیان و قوادان و مشتریان جملگی از نظر کیفری قابل تعقیب‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴).

در نظامهای حقوقی قانون مندساز^۵ (مانند آلمان و تا اندازه‌ای هلند، یونان، ترکیه) روسپیگری یک رفتار یا پدیده نامطلوب

شاخص‌های آماری در قالب درآمد ملی و تولید ناخالص ملی هدف اصلی توسعه را که بهبود زندگی انسان‌هاست تحت الشعاع قرار داده است (از کیا، ۱۳۷۷: ۲۲). طی چند دهه گذشته، ارزیابی «شاخص توسعه انسانی» در ایران حاکی از ارتقای آن از سطح پایین به متوسط است. اما بررسی «شاخص توسعه جنسیتی» نشان می‌دهد که سرعت رشد و توسعه در حوزه مسائل جنسیتی همچنان پایین است. اگرچه میزان باسوسادی و تحصیلات زنان و همچنین وضعیت سلامت آنان، به عنوان یکی از مشخصه‌های توسعه جنسیتی، روندی رو به بهبود دارد، علت اصلی پایین بودن سطح توسعه جنسیتی در ایران تفاوت قابل ملاحظه سهم درآمدی زنان در مقایسه با مردان است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱).

بر این اساس، در تحلیل علل و عوامل پدیده تن فروشی به عنوان یک مشکل اجتماعی و جرم، ارتباط آن با عوامل اقتصادی از مدت‌ها پیش مورد توجه قرار گرفته است.^۶ با پیدایش جرم‌شناسی علمی نیز شاهد ارائه دیدگاه‌های مختلفی هستیم که به نوعی بین بزهکاری و عامل اقتصادی رابطه مثبتی برقرار کردند (مظلومان، ۱۳۵۱). دوگرف^۷ پس از بررسی دقیق آماری اعلام داشت: «به نظر می‌رسد که عوامل اقتصادی در ارتکاب جرایم تأثیر غیرمستقیم دارند. فقر مستقیماً عامل جرم نیست ولی به طور غیرمستقیم ممکن است استعداد بزهکاری را تقویت کند، زیرا فقر ممکن است مانع از رشد طبیعی افراد شود و از سوی دیگر ناراحتی و بی‌نظمی و اختلال را دامن بزند و موجب بروز سیزه‌جویی و انحرافاتی گردد که بروز جرایم را تسهیل نماید» (به نقل از کی نیا، ۱۳۶۹).

باتگلیا معتقد است هر نوع جرمی که به وقوع می‌پیوندد محصول عامل اقتصادی است. بدختی به تنها یاری قادر است مجموعه‌ای از شرایط اخلاقی را به وجود آورد که در نتیجه آن اکثر جرایم آفریده می‌شود. بنابراین نباید تعجب کرد که بسیاری از بزهکاران و روسپی‌ها مردمان بدخت و تنگدست باشند (به نقل از مظلومان، ۱۳۵۱). بر این اساس، فقر و نابرابری اقتصادی زنان که

۱. رویکرد اقتصادی را متفکرانی چون لوریا (Loria)، باتگلیا (Bateglia) و توراتی (Torati) با این دیدگاه که جرم پدیده‌ای غیراجتماعی است که از تأثیر عوامل اقتصادی به وجود می‌آید در اوآخر قرن نوزدهم پایه‌گذاری کردند و سوای رویکرد اقتصادی سوسیالیسم است.

2. Degreff

3. Hardman

4. illegalization

5. legalization, regulation

- ۷۰ تا ۹۵ درصد از روسپیان حین عمل روسپیگری مورد تهاجم فیزیکی قرار گرفته بودند؛
- ۶۰ تا ۷۵ درصد از روسپیان حین عمل روسپیگری مورد تجاوز قرار گرفته بودند؛^۵
- ۷۵ درصد از روسپیان در گذشته بی خانمانی را تجربه کرده بودند یا در زمان بررسی بی خانمان بودند؛
- ۸۹ درصد از زنان تمایل داشتند که حرفة روسپیگری را ترک کنند؛
- ۶۸ درصد زنان تن فروش با نشانه‌های اختلالات عصبی ناشی از روسپیگری مواجه شده بودند. شدت عالیم اختلالات عصبی که در روسپیان این بررسی مشاهده شد درست به اندازه اختلالات سربازان جنگی بود که تقاضای خدمات درمانی کرده بودند؛
- ۸۸ درصد از روسپیان توهین‌های لفظی و تحقیرهای اجتماعی را تجربه کرده بودند (Farley et al., 2003).

ون وزن‌بیک (Vanwesenbeeck, 1994) بیان می‌کند که فقر و مدت زمان فعالیت در حرفة روسپیگری دو عاملی هستند که موجب می‌شوند فرد روسپی با خشونت‌های بیشتری در این حرفة رویه‌رو شود.

۱.۳. کشورهای امریکایی

قوانين مربوط به روسپیگری در امریکا از ایالتی به ایالت دیگر بسیار متفاوت است. برای مثال، ایالت نوادا روسپیگری را تنهایا در شهرهای با جمعیت بیش از ۲۰۰ هزار نفر منوع کرده است، در

۵. بسیاری از زنان در مورد معنی تجاوز دچار سردرگمی می‌شوند. اگر تجاوز به هر رابطه جنسی ناخواسته‌ای اطلاق شود، بررسی‌ها باید به آمارهای بالاتری اشاره کنند. برخی از زنان تفاوتی بین تجاوز و روسپیگری قائل نمی‌شوند و به هر رابطه جنسی که فرد مقابل اجرت آن را پرداخت نکند تجاوز می‌گویند و به وجود یا عدم وجود خشونت در رابطه توجه نمی‌کنند. به علاوه، در بسیاری از بررسی‌ها و همچنین در بررسی فارلی، با زنان مشغول به حرفة روسپیگری مصاحبه و از آنها درباره تجاوز پرسش شد، درست همان طور که از یک سرباز جنگی در مورد تیرباران در منطقه جنگی سوال می‌شود. پاسخ‌ها به سوال تجاوز باید بررسی علمی شوند چرا که آمارها بر این فرض تأکید دارند که درصد بالایی از زنان روسپی وقوع تجاوز و خشونت را در روسپیگری انکار می‌کنند چرا که برایشان سخت و اضطراب‌آور است که اعلام کنند تا چه حد از طرف مردان متجاوز و دلالان در معرض خطر قرار دارند.

ضروری انگاشته می‌شود و تحت مقررات اداری قرار دارد (شناسنامه دار کردن زنان روسپی، نظارت پزشکی، قانونی کردن روسپی‌خانه‌ها یا محله‌های خاص روسپیگری). بنابراین، از نظر حقوقی، بهره‌برداری (استفاده مالی) از روسپیگری دیگری از نظر کیفری قابل تعقیب نیست. فقط اعمال مرتبط با روسپیگری دختران یا اشخاص بزرگسال را که از روسپیگری خود رضایت ندارند (روسپیگری اجباری) می‌توان تعقیب و مجازات کرد (همان).

سرانجام، در نظام‌های حقوقی الغاگرا^۱ (مانند فرانسه و سوئد)، هدف لغو و محو روسپیگری نیست، بلکه الغای نظام حقوقی‌ای است که روسپیگری را قانون‌مند می‌سازد. بهره‌برداری از روسپیگری، یعنی قوادی، جرم است ولی اشخاصی را که تن به روسپیگری می‌دهند و مشتریان آنها را نمی‌توان تعقیب کیفری کرد (همان). در اسناد بین‌المللی بر مبنای نگرش حقوق بشری، هم رویکرد جرم‌زدایی^۲ و هم رویکرد جرم‌انگاری^۳ به صورت توأمان وجود دارد. مبنای جرم‌زدایی پدیده روسپیگری و، در مقابل، جرم‌انگاری قوادی و بهره‌کشی جنسی عبارت است از آنکه فحشا امری شخصی است و اگرچه روسپی به تن و کرامت خود لطمہ می‌زند، مجرم نیست و نیازمند تدبیر بازپروری و اصلاح است نه برخورد کیفری. بنابراین، نگاه جرم‌انگارانه به سوی قوادی است و نگاه جرم‌زدا به سوی روسپیگری.

در بررسی ۹ کشور^۴ از چهار قاره مختلف (اروپا، امریکا، افریقا و آسیا)، برخی ویژگی‌های تن فروشی در سطح جهان به شرح زیر گزارش شده است:

- ۹۵ درصد از روسپیان آزار و اذیت جنسی را تجربه کرده‌اند. در امریکا، این آزار و اذیت‌ها که در محیط‌های کاری مختلف صورت می‌گیرد قابل پیگرد قانونی است:
- ۶۵ تا ۹۵ درصد از افرادی که به حرفة روسپیگری مشغول بودند در کودکی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند؛

1. abolition

2. criminalization

3. decriminalization

۴. کانادا، کلمبیا، آلمان، مکزیک، افریقای جنوبی، تایلند، ترکیه، ایالات متحده امریکا، زامبیا

و به طور متوسط ۱۱ سال سابقه تن فروشی دارند؛ ۸۲ درصد زنان مورد تهاجم فیزیکی واقع شده و ۷۳ درصد آنان به زور مورد تجاوز قرار گرفته‌اند؛ ۷۵ درصد زنان مورد بحث سابقه مصرف مواد مخدر و ۲۶ درصد اعتماد به الکل را گزارش کرده‌اند. در حالی که ۸۷ درصد زنان متمایل به ترک حرفة روسپیگری هستند، ۶۹ درصد آنان به اختلال عصبی پس از حادثه (PTSD) (Farley et al., 2003)^۵ دچارند (رنگین پوست هستند. همچنین ۵۵ درصد از زنانی که دستگیری شوند و ۸۵ درصد از روسپیانی که محکوم به حبس می‌شوند رنگین پوست هستند).

بیشتر روسپیان در دوران کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. نتایج یک بررسی نشان داد که دو سوم روسپیان در سنین ۳ تا ۱۶ سالگی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته بودند (میانگین سن قربانی شدن ۱۰ سال بود). دو سوم این روسپیان مورد اذیت و آزار پدر، ناپدری یا پدر رضاعی، و ۱۰ درصد آنها مورد سوءاستفاده جنسی افراد غریبیه قرار گرفته بودند (Silbert and Pines, 1984).

همچنین ۷۰ درصد روسپیان معتقد بودند که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفتن در زمان کودکی بر تصمیم آنها برای روسپی شدن اثرگذار بوده است. از میان روسپیانی که مورد سوءاستفاده قرار گرفته بودند، ۹۱ درصد این مسئله را برای هیچ کس فاش نکرده بودند، و تنها یک درصد آنها در مورد تأثیرات تجاوز مشاوره دریافت کرده بودند (ibid.).

نخستین تجاوز کنندگان به ۶۰ درصد از کودکان روسپی دوستانشان هستند. همچنین، در تحقیق دیگری، ۹۶ درصد از روسپیانی که در نوجوانی وارد حرفة روسپیگری شده بودند از خانه فرار کرده بودند و اکنون اظهار می‌کردند که هیچ انتخاب دیگری برای امرار معاش نداشتند (Silbert and Pines, 1984). در میان نوجوانان پسر روسپی، ۲۷ درصد درگیر صنعت فیلم‌های سکسی می‌شوند و احتمال دستگیر شدن مردان روسپی به جرم روسپیگری بسیار کمتر از زنان است.

۲.۳. کشورهای اروپایی

حالی که ایالت آلاباما روسپیگری را جرم درجه اول یا دوم در نظر می‌گیرد. سازمان افبی‌آی روسپیگری را این‌گونه تعریف می‌کند: «داخل شدن در فعالیت‌های جنسی یا ترویج آنها به صورتی که هدف کسب سود باشد.» روسپیان اغلب اوقات محکوم می‌شوند و حکم‌های سنگین‌تری نسبت به مشتریان دریافت می‌کنند (Miller, 1995). در امریکا در مورد این مسئله که آیا روسپیگری باید قانونی شود یا نه، بحث‌های فراوانی وجود دارد. گروهی معتقدند که روسپیگری یک نوع تجاوز جنسی است و باید غیرقانونی باقی بماند و فشارهای قانونی بیشتری در برابر آن اعمال شود. گروه دیگر معتقدند که اگر روسپیگری قانونی شود و به نوعی تجارت قانونی تبدیل شود، خشونت با روسپیان کاهش می‌یابد. این گروه چنین استدلال می‌کنند که قانونی شدن می‌تواند ننگ و بدنامی ناشی از روسپیگری را کاهش دهد.

هر سال بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار کودک و نوجوان امریکایی قربانی بهره‌برداری‌های جنسی می‌شوند. یافته‌های یک بررسی نشان داد یک سوم از زنانی که به حرفة روسپیگری مشغول بودند قبل از ۱۵ سالگی و ۶۲ درصد از نمونه قبل از ۱۸ سالگی به این حرفة وارد شده بودند (Raphael and Shapiro, 2002). بیشتر کودکان در سن ۱۴ سالگی وارد حرفة روسپیگری می‌شوند.

از انواع تجارت جنسی در امریکا می‌توان به روسپیگری خیابانی، فاحشه‌خانه‌های مخصوص ماساژ^۱، سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات روسپیگری، کلوپ‌های لختی‌ها، محیط‌های فاسد رقصی، روابط جنسی تلفنی، تهیهٔ فیلم و عکس سکسی از افراد بزرگسال یا کودکان (شامل تجاوز جنسی گروهی از متبازنان کودک آزار یا متبازنان عادی به کودکان)، روسپیگری کودکان، فیلم‌های ویدئویی و شبکه‌های اینترنتی سکسی، دادوستد جنسی، و جذب توریست از طریق صنعت روسپیگری اشاره کرد. بیشتر افراد پس از چند ماه فعالیت در حرفة روسپیگری وارد یکی از حوزه‌های تجارت جنسی یادشده می‌شوند (Dalla, 2000; Kramer, 2003).

براساس گزارش‌ها، میانگین سنی زنان تن فروش در امریکا ۳۱ سال (با انحراف استاندارد ۹) و محدوده سنی آنان ۱۴–۶۱ سال است؛ ۴۲ درصد زنان قبل از ۱۸ سالگی وارد بازار تن فروشی شده‌اند

روسپیان است (ibid.).

در مجموع، بیشتر کارکنان حرفه روسپیگری در اروپا (به طور مشخص، نواحی غرب و جنوب و شمال اروپا که اکثر ۱۴ کشور عضو اولیه اتحادیه اروپا را شامل می‌شود) مهاجر هستند. در تمامی کشورهایی که عضو اولیه اتحادیه اروپا هستند، به طور متوسط، ۷۰ درصد کارکنان حرفه روسپیگری مهاجرند، در حالی که برخی کشورها مانند ایتالیا، اسپانیا، استرالیا و لوکزامبورگ گزارش می‌دهند که مهاجران ۸۰ تا ۹۰ درصد از جمعیت روسپیان کشورشان را تشکیل می‌دهند. در فنلاند، هلند، بلژیک، آلمان، فرانسه، یونان، دانمارک و نروژ ۶۰ تا ۷۵ درصد از روسپیان افراد مهاجر هستند. بالاترین میزان تعادل میان روسپیان بومی و روسپیان مهاجر مربوط به کشور پرتغال (با ۵۵ درصد مهاجر) و انگلیس (با ۴۱ درصد مهاجر) است. در انگلیس جمعیت روسپیان در شهر لندن مرکز است (16: ibid.). برخی معتقدان به یافته‌های این گزارش‌ها که باعث مهاجرستیزی می‌شود به دیده تردید می‌نگرند و در آنها نوعی اروپایی محوری تنزه‌طلبانه می‌بینند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ کشور خاستگاه تن فروشان اروپایی است. این روند گسترش کشورهای مبدأ را می‌توان ناشی از مشکلاتی دانست که افراد در کشور خودشان برای کسب درآمد با آن روبرو هستند. بیست کشور مبدأ که در سال ۲۰۰۸ در سراسر اروپا بیشتر از آنها نام برده شده عبارت‌اند از: رومانی، روسیه، بلغارستان، اوکراین، نیجریه، بزریل، بلاروس، مولداوی، لهستان، مجارستان، تایلند، جمهوری چک، اسلواکی، لاتویا (لتونی)، آلبانی، کلمبیا، لیتوانی، استونی، مراکش و اکوادور. روسپیان متعلق به کشورهای جدید عضو اتحادیه اروپا (رومانی، بلغارستان، مجارستان، لهستان) و کشورهای اروپای شرقی (روسیه، اوکراین، بلاروس، مولداوی) در اکثریت‌اند و بیشترین تعداد را در میان زنان تن فروش در اروپا دارند (ibid.: 16).

۳.۳ آسیا

سازمان بین‌المللی کار (ILO) تحقیقی در زمینه مطالعات جنسی منتشر کرده است که وضعیت و ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی روسپیگری را در نواحی جنوب شرقی آسیا به تصویر می‌کشد. این بررسی کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند را دربرمی‌گیرد و چگونگی گسترش روسپیگری در این نواحی و تبدیل آن را به

در اروپا روسپیگری عمدتاً حرفه زنان است که ۸۷ درصد از کل جمعیت کارکنان مشاغل جنسی را تشکیل می‌دهند. به علاوه، در تمامی کشورها، مردان هم‌جنس گرا و افراد دوجنسی نیز بخشی از جمعیت کارکنان مشاغل جنسی شناخته می‌شوند. برخی از کشورهای اروپای غربی از قبیل فرانسه، یونان، لوکزامبورگ و بلژیک در گزارش‌های خود به درصد بالایی (۲۵-۱۵ درصد) از افراد دوجنسی مشغول به حرفه‌های جنسی اشاره کرده‌اند. سایر کشورها اغلب گزارش داده‌اند که حداقل ۵ درصد از کل جمعیت روسپیان را افراد دوجنسی تشکیل می‌دهند. اکثر روسپیان دوجنسی متعلق به یکی از کشورهای امریکای لاتین هستند (Brusza, 2009).

در اروپا، به طور متوسط، ۷ درصد از کارکنان مشاغل جنسی مرد هستند و این نسبت از کشوری به کشور دیگر کاملاً متفاوت است. برای مثال، کشورهای استرالیا، فنلاند، دانمارک، لیتوانی و استونی گزارش داده‌اند که مشاغل جنسی در کشور آنها کاملاً در انحصار زنان است در حالی که لهستان گزارش می‌دهد که ۱۵ درصد از جمعیت روسپی این کشور را مردان تشکیل می‌دهند (ibid.).

شبکهٔ تامپ^۱ اعلام کرده است که شمار افرادی که وارد حرفه روسپیگری می‌شوند در محدوده کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کشور نروژ دائماً در حال افزایش است. همچنین تنوع ملیت‌ها در میان کارکنان مشاغل جنسی افزایش یافته است. این مسئله نباید یک افزایش فرآگیر تلقی شود اما می‌تواند به معنی ورود افراد جدید به این حرفه و بروز تغییرات سریع در جمعیت روسپیان باشد. اعضای شبکهٔ مذکور دریافت‌هایند که نقل و انتقال روسپیان در کشورهای اروپایی افزایش یافته و روش‌های مهاجرت و جابه‌جایی نیز پیچیده‌تر شده است (برای مثال، مسیرهای مسافرتی) و، به تبع این تغییرات، تنوع ملیت‌ها در میان روسپیان افزایش یافته است. در طول اولین سال اجرای پروژهٔ تامپ (۱۹۹۴-۱۹۹۳) اعضای این شبکه با روسپیانی از ۱۰ تا ۱۲ ملیت مختلف کار می‌کردند اما در سال ۲۰۰۸، در یک محدودهٔ جغرافیایی مشخص، با روسپیانی از ۶۰ ملیت مختلف ارتباط برقرار کردند. این امر حاکی از افزایش تنوع نژادی و ملیتی و همچنین پیشینهٔ اجتماعی و فرهنگی

۱. تامپ (TAMPEP) پروژه‌ای است برای ارتقای سلامت و پیشگیری از ایدز و ارتباط جنسی آلوه در بین کارگران جنسی (روسپیان) مهاجر که در چارچوب برنامهٔ سلامت عمومی از جانب اتحادیه اروپا حمایت و تأمین اعتبار می‌شود.

یافته است به طوری که در حال حاضر جمعیت آنها برابر یا حتی بیشتر از مردان مهاجر است (Kaban, 1998).

رون اگردادی^۱، مدیر یک گروه تحقیقاتی که در مورد روسپیگری کودکان و صنعت فیلم‌های سکسی کودکان و همچنین تجارت جنسی کودکان تحقیق می‌کند، برآورد کرده است که در حدود ۴۰ هزار عکس و فیلم سکسی تهیه شده از کودکان را که بسیاری از آنها ساکن جنوب شرقی آسیا هستند می‌توان در شبکه‌های اینترنتی مشاهده کرد. وی همچنین اظهار می‌کند که در تجارت‌های جنسی، افراد بسیار زیادی خواستار رابطه جنسی با کودکان هستند و هر سال افرادی از سراسر دنیا به منظور برقراری رابطه جنسی با کودکان و تهیه عکس و فیلم سکسی از آنها به آسیا سفر می‌کنند (Antaseeda, 1998). از میان افراد کودک‌آزاری که بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ به جرم تجاوز جنسی به کودکان در آسیای جنوب شرقی دستگیر شده‌اند، بیشترین تعداد امریکایی (۲۵ درصد)، آلمانی (۱۸ درصد)، استرالیایی (۱۴ درصد) و انگلیسی (۱۲ درصد) بوده‌اند (Lambiet, 1998).

امروزه، به سبب ماهیت و شرایط خاص نواحی جنوب شرقی آسیا، قاچاقچیان بیش از پیش به تجارت جنسی زنان روسپی در این مناطق می‌پردازند (Kaban, 1998)، هرچند که شمار واقعی زنانی که برای مقاصد روسپیگری به بردن گرفته شده یا از جانب دلالان فروخته شده‌اند یا در جنوب شرقی آسیا در زندان نگهداری می‌شوند از ۲۰ درصد کل جمعیت زنان فعال در حرفه روسپیگری تجاوز نمی‌کند (ibid.).

۴.۳. کشورهای منطقه

براساس داده‌های ائتلاف کاتو (CATW)^۲ آمارهایی که در مورد تجارت جنسی و روسپیگری در برخی کشورهای آسیایی منطقه به دست آمده نشان‌دهنده ارتباط تجاوزها و مناقشات نظامی، فقر و رشد پایین اقتصادی با روسپیگری است (Hughes et al., 1999). فشارهای نظامی و سیاسی در افغانستان موجب افزایش مهاجرت شده است. این وضعیت زنان افغان را در برابر تجارت

یک تجارت سودآور شرح می‌دهد، تجارتی که بر وضعیت اشتغال و درآمد ملی تأثیر گذاشته و نقش مهمی در رشد اقتصادی این کشورها ایفا کرده و می‌کند. سازمان بین‌المللی کار گزارش می‌دهد که میزان روسپیگری در این نواحی به حدی گسترش یافته است که صراحتاً می‌توان گفت حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای این ناحیه به تجارت جنسی گره خورده است. در گزارش این سازمان آمده است که عوامل اقتصادی و اجتماعی محرك صنعت روسپیگری به هیچ‌وجه کاهش نیافتدند و یکی از دلایل این امر روند افزایشی نرخ بیکاری در این نواحی است (Hughes et al., 1999). بالطبع پرسش‌ها و انتقاداتی در خصوص انسانی بودن این شیوه رشد اقتصادی مطرح است.

در بررسی مذکور برآورد شده است که بین ۰/۲۵ تا ۱/۵ درصد از جمعیت زنان این چهار کشور با روسپیگری سروکار دارند. همچنین، طبق برآوردهای این تحقیق، بین ۲ تا ۱۴ درصد از تولید ناخالص ملی این کشورها از طریق صنعت روسپیگری تأمین می‌شود. گزارش‌های مربوط به کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که درآمد روسپیگری به میزان قابل ملاحظه‌ای بالاتر از سایر مشاغل ساده است (ibid.).

در این تحقیق تصریح شده است که با توجه به رکود اقتصادی از آغاز هزاره سوم، انتظار می‌رود که تعداد افراد روسپی در این نواحی افزایش یابد چرا که وقتی افراد تحت حمایت سازمان‌های اجتماعی و برخوردار از امنیت اجتماعی نباشند، خطر روی آوردن آنها به روسپیگری که احتیاج به مهارت خاصی ندارد به مراتب بیشتر می‌شود (ibid.).

بررسی دیگری نشان می‌دهد که متصدیان دولتی در مناطقی که روسپیگری در آنها رونق یافته به درآمدها و سودهای قابل توجهی دست پیدا می‌کنند که قسمتی به صورت غیرقانونی و از راه دریافت رشوه کسب می‌شود و بخش دیگری به طور قانونی و از راه صدور جواز کسب و همچنین دریافت مالیات از هتل‌ها، بارها و اتاق‌های مخصوص روابط جنسی و رستوران‌هایی که رونق‌شان از شبنشینی‌هاست. یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که بسیاری از خانواده‌های فقیر روستایی به درآمد حاصل از روسپیگری زنان متکی هستند (Agnote, 1998).

در سال‌های اخیر تعداد زنان مهاجر شاغل در صنعت روسپیگری در جنوب شرقی آسیا به میزان قابل توجهی افزایش

1. Ron Ogrady

2. Coalition Against Trafficking Women

که آن مردان نیز ممکن است دوباره اقدام به فروش آنان کنند. دختران برای سه گروه: عرب‌های ثروتمند، افراد بالا‌الات و ثروتمند محلی، و کشاورزان روستایی به مزایده گذاشته می‌شوند (CATW). ترکیه یکی از مقصد هایی است که روسپیان اوکراینی و روس تمایل دارند در آن فعالیت کنند. امروزه به روسپیان اصطلاحاً ناتاشا می‌گویند چرا که بسیاری از آنان از روسیه به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند (Vandenberg, 1997). در عین حال، فعالیت روسپیان در ترکیه تابع مقررات سختی است. در مقطعی، شدت برخوردهای خشن با روسپیان در ترکیه به حدی بود که روسپیان شهرهای جنوبی استان آданا در این کشور دست به اعتصاب زدند و به نحوه رفتار و آزار و اذیت‌های پلیس اعتراض کردند. این روسپیان از سخت‌گیری پلیس در مورد خود شکایت داشتند چرا که به آنها اجازه بلند کردن صدای موزیک را نمی‌داد و همچنین صحبت کردن و ارتباط داشتن روسپیان با مشتریانشان را در خارج از محیط روسپی‌خانه منوع کرده بود. کشور ترکیه تنها به روسپیانی که مجوز روسپیگری دارند اجازه می‌دهد که در مراکز تأیید شده‌ای (Anatolian News Agency) به فعالیت پردازند، (general house) 1998).

در ماده ۲۹۱ قانون جزای مصر آمده است: اگر شخص متتجاوز با زنی که به او متتجاوز کرده ازدواج کند هیچ مجازاتی متوجه او نیست. عثمان عبدالفتاح عبداللطیف به زنی متتجاوز کرد و سپس با اوی ازدواج کرد و این زن در حال حاضر همسر اوست. بعدها عثمان با تهدید چاقو به دختر دیگری متتجاوز کرد و از اوی نیز تقاضای ازدواج کرد ولی دختر نپذیرفت. در نتیجه، اوی محاکمه و به جرم متتجاوز (زنا) محکوم شد (Abdel Kader, 1997). مجازات قانونی کسی که شخصی را ربوده و به او متتجاوز کرده باشد مرگ است؛ با این حال، ۹ مرد که به جرم ربودن و متتجاوز به یک دختر ۱۴ ساله دستگیر شده بودند، با تغییراتی که در حکم‌شان داده شد، تنها به چند سال حبس محکوم شدند (ibid.).

در شهر تل آویو بیش از ۱۰ هزار زن در حرفه روسپیگری فعالیت می‌کنند (CEDAW Report, 1997). هر روز مردان ۲۵۰۰۰ صورتحساب مربوط به قرارداد روسپیگری را پرداخت می‌کنند و ۲۵۰ هزار کارگر مرد خارجی مشغول جلب مشتری برای روسپیان هستند. زنان روسپی که در آپارتمان‌ها، بارها و روسپی‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند ممکن است روزانه ۱۵ بار انتخاب و به کار

جنسی و روسپیگری بسیار آسیب‌پذیر کرده است (Sinha). گروه‌های متعصب مجاهدین که کنترل بیشتر نواحی افغانستان را در دست داشتند، زنان افغان را به شبکه‌های روسپیگری پاکستان می‌فروختند (AI). در سال ۱۹۹۱، زنان افغانی را که در مزه‌های افغانستان و پاکستان ربوده شده بودند در بازار به قیمت ۶۰۰ ریال بابت هر کیلوگرم از وزن آنها می‌فروختند. کودکانی که در زمان سلطه طالبان بر افغانستان تنها ۸ یا ۹ سال داشتند گزارش داده‌اند که در آن زمان تن فروشی می‌کردند (CATW).

در پاکستان، یک میلیون زن بنگلادشی و ۲۰۰ هزار زن برمدای از طریق دادوستدهای جنسی به کراچی منتقل شده‌اند (Sinha). در ۱۰ سال اخیر، ۲۰۰ هزار زن بنگلادشی از طریق تجارت جنسی به پاکستان منتقل شده‌اند و هر ماهه ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر به این آمار اضافه می‌شود (CATW). در پاکستان، کشوری که بیشتر زنان بنگالی دادوستشده و فروخته شده به آنجا منتقل می‌شوند، تقریباً ۱۵۰۰ زن بنگالی در زندان هستند و حدود ۲۰۰ هزار زن و کودک به عنوان برده به فروش می‌رسند (Human Rights Organizations, 1995 کودکان زیر ۱۶ سالی است که در نواحی جنوب آسیا طعمه تجارت جنسی می‌شوند (Iijima, 1998). بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، روزانه بیش از ۱۵۰ زن گرفتار تجارت جنسی به پاکستان منتقل می‌شوند (Sina). طبق برآوردها، روزانه ۱۰۰ زن به صورت غیرقانونی وارد پاکستان می‌شوند که تعدادی از آنها هرگز به خانه‌های خود بازنمی‌گردند (Sarwar, 1997).

بیش از ۲۰۰ هزار تن از زنان بنگلادشی مستقر در پاکستان فاقد مدارک شناسایی و گذرنامه هستند که ۲۰۰۰ نفر از آنان در زندان‌ها یا پناهگاه‌ها به سر می‌برند. بنگلادشی‌ها ۸۰ درصد و برمدای‌ها ۱۴ درصد از جمعیت مهاجران فاقد مدارک شناسایی را در شهر کراچی تشکیل می‌دهند (Awan, 1997). یک زن بنگالی یا برمدای در پاکستان به قیمت ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ دلار امریکا فروخته می‌شود که قیمت این زنان بستگی به سن، زیبایی، میزان تعلیم‌پذیری و فرمانبرداری، و وضعیت بکارت آنها دارد. پلیس برای هر کودک یا زنی که به فروش می‌رسد، ۱۵ تا ۲۰ درصد کمیسیون دریافت می‌کند (Sarwar, 1997). همچنین ۱۹۰۰۰ کودک پاکستانی از طریق تجارت جنسی به امارات متحده عربی منتقل شده‌اند. دختران یتیم به عنوان همسر به مردان فروخته می‌شوند

۴. سیاست‌ها و برنامه‌ها

در تحلیل وضعیت روسپیگری، لازم است که وضعیت قانونی زنان تن فروش کاملاً تحلیل و ارزیابی شود (World Bank and UNAIDS, 2000). قوانین ملی مربوط به کار جنسی، به دلیل تأثیرگذاری بر مداخلات، از اهمیت زیادی برخوردارند. در واقع، بخش قابل توجهی از امکان مداخله به منظور بهبود وضعیت زنان روسپی و کاهش رفتارهای پرخطر آنان تابع وضعیت حقوقی هر کشور است. برای مثال، هرچه سیاست‌های جرم‌انگارانه در مورد زنان تن فروش تشدید شود، دسترسی به آنان برای دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات دشوارتر می‌گردد.

سیاست‌ها، قوانین، مقررات و برنامه‌های مرتبط با تن فروشی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: اول، گروهی که جنبه قضایی دارد و با جرم قلمداد کردن تن فروشی، سازوکارهای قانونی را در این زمینه مشخص می‌کند؛ دوم، دسته‌ای که جنبه قضایی ندارند و با حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی یا مداخلات بهداشتی مرتبط هستند.

ابعاد حقوقی

پس از پیروزی انقلاب، به پیروی از فقه اسلامی و براساس تکلیف اصل سوم قانون اساسی و لزوم انتباق کلیه قوانین و مقررات از جمله قوانین جزایی با مقررات اسلامی، جرایم به حدود^۲، قصاص^۳، دیات^۴ و تعزیرات^۵ تقسیم شدند. با تصویب قانون مجازات اسلامی (صوب ۱۳۷۵)، بخشی از جرایم جنسی در کتاب حدود، بخش دیگری در کتاب دیات، و بخش دیگری نیز در کتاب تعزیرات بدین شرح پیش‌بینی شد:

- جرایم زنا، لواط، قوادی، مساحقه و تفحیذ در کتاب حدود؛
- ازاله بکارت، از بین رفتن قدرت جنسی مرد یا قطع آلت

۲. حد به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است (ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی).

۳. قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد (ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی).

۴. دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی).

۵. تعزیر عبارت است از تأديب یا عقوبی که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است، از قبیل جس، جزای نقدی و شلاق. میزان شلاق باید از مقدار حد کمتر باشد (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی).

گرفته شوند. روسپی‌ها نوبتی و در شیفت‌های ۴ ساعته استراحت می‌کنند (Specter, 1998). مافیای روسیه برای کسب سود از تجارت جنسی وارد خاک استرایل شده است. پلیس اسرائیل نزدیک به ۳۰ تشكیلات مشکوک به تبهکاری را تحت نظارت و کنترل قرار داده است (Connolly and Hefetz, 1998). طی ۷ سال گذشته، در حدود ۲/۵ بیلیون پوند (معادل ۴ بیلیون دلار امریکا) پول کشف حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی از اتحاد جماهیر شوروی سابق به اسرائیل منتقل شده و در بانک‌ها و کسب و کارهای این کشور سرمایه‌گذاری شده است. اسرائیل یکی از مناطق سودآور و پیشرفته در زمینه صنعت روسپیگری است. تعداد بسیار زیادی از روسپی‌خانه‌ها و نمایشگاه‌های سکسی^۶ که در شهرهای حیفا و تل‌آویو وجود دارند در چند سال اخیر ساخته شده‌اند (ibid.). در کشور اسرائیل، مشتریان خدمات روسپیگری را سه گروه کارگران خارجی، یهودیان ارتدکس و عرب‌ها تشکیل می‌دهند. نزدیک به ۲۰۰ هزار کارگر خارجی قانونی و غیرقانونی در اسرائیل مشغول به کارند که اغلب جوان هستند و به نظر می‌رسد که مجردان آنها به رابطه جنسی تجاری و داشتن سکس با روسپیان روی می‌آورند (Eaves, 1998).

در اردن، روسپیگری و همجنس‌گرایی وجود دارد اما میزان آن نامعلوم است چرا که در این کشور، روسپیگری عملی غیرقانونی و مطروع محسوب می‌شود. مبلغان اسلامی، روسپیگری و همجنس‌گرایی را اعمالی غیراخلاقی به شمار می‌آورند که از کشورهای رو به انحطاط غرب به کشورشان وارد شده است (United Press International, 1998).

در سال ۱۹۹۷، صدها دختر اهل کشور اندونزی که کمتر از ۲۰ سال سن داشتند در صنعت روسپیگری عربستان فعالیت می‌کردند (Sugandhi, 1997). یکی از اقدامات پیشگیرانه عربستان سعودی در مقابله با روسپیگری این بوده است که اطلاعات مربوط به زنان تایلندی منتقل شده به عربستان را در اختیار اعضای پارلمان بانکوک قرار می‌دهد (Saardsorn, 1998).

۴. وضعیت در ایران

1. peepshows

رسیدگی کننده به چنین پروندهایی به شدت عمل بیشتر و تفسیر موسوع‌تر از ممنوعیت‌ها تمایل نشان می‌دهند (بداغی، ۱۳۸۱: ۷۰).

ابعاد غیرحقوقی

در برنامه‌های توسعه هیچ اشاره مستقیمی به وجود پدیده تن فروشی نشده است و تنها در مواردی، با استفاده از عنوان کلی مشکلات یا آسیب‌های اجتماعی، دولت مكلف شده اقداماتی در این زمینه انجام دهد (مواد ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۲). محوری‌ترین تکلیفی که در برنامه چهارم در زمینه رفع مشکلات اجتماعی به آن اشاره شده، ماده ۹۷ است: «دولت مكلف است به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید.»

علاوه بر این، در ماده ۸۶ برنامه چهارم توسعه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاه‌های ذی‌ربط مكلف شده‌اند اقدامات لازم را در جهت کاهش زیان‌های فردی و اجتماعی اعتیاد و درمان بیماری ایدز و... معمول دارند. بر همین اساس نیز وزارت بهداشت، طی سال‌های اخیر، در چارچوب برنامه‌های کاهش زیان^۱، اقداماتی برای ارائه خدمات پیشگیری، کنترل و کاهش ایدز به گروه‌های در معرض آسیب، از جمله زنان تن فروش، انجام داده است.

۴. ویژگی‌های زنان تن فروش

از آنجا که به طور معمول اطلاعات مربوط به تن فروشی و زنان تن فروش از جانب هیچ مرجع رسمی جمع‌آوری و منتشر نمی‌شود، مبنای برخی اطلاعات و برآوردها که در همه‌گیری‌شناسی ارائه شده تحلیل محتوای روزنامه‌ها و گزارش‌های دولتی است. اطلاعات سایر بخش‌ها نیز برگرفته از مطالعات مربوط به زنان تن فروش شهر تهران است. از این رو، تعمیم یافته‌های این گزارش باید با اختیاط کامل صورت پذیرد. در استفاده از مطالعات مربوط به زنان تن فروش شهر تهران نیز توجه به نمونه آماری تحقیق اهمیت

جنسي مرد يا زن در كتاب ديات؛ - بخش قابل توجهی در كتاب تعزیرات و مجازات بازدارنده با اين عنوان: (۱) رابطه نامشروع به غيرزن؛ (۲) ارتکاب علني فعل حرام؛ (۳) ايجاد محل فساد و تشويق مردم به فساد و فحشا؛ (۴) تجارت و خريد و فروش اشيائي که منجر به جريحة‌دار شدن عفت عمومي مي‌گردد.

با بررسی مجموعه مقررات موجود در حوزه جرائم جنسی و تن فروشی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در قوانین ایران از جرمی تحت عنوان تن فروشی یا روسپیگری نام برده نشده است که البته به معنای عدم برخورد کیفری و جایز بودن این عمل در نظام حقوق کیفری ما نیست، بلکه عنوانین مجرمانه دیگری در حوزه مسائل جنسی وضع گردیده که بر مبنای آنها، می‌توان کلیه مصاديق اعمال جنسی در خارج از چارچوب ازدواج را مجرمانه تلقی کرد.

- از آنجا که تن فروشی یا روسپیگری با جرایمی نظیر زنا یا اعمال منافي عفت وجه اشتراک دارد، مجازات روسپیگری طبق مقررات قانونی ما طیف وسیعی از مجازات‌ها را، از چند ضربه تازیانه تا مجازات سنگسار، دربرمی‌گیرد که از لحاظ شدت نیز بسیار متفاوت‌اند.

- در مجموعه مقررات کیفری کشور جرم خاصی تحت عنوان روسپیگری پیش‌بینی نشده، اما اعمال مجرمانه خاصی وجود دارد که مرتبط با روسپیگری و فحشا هستند. وضع این عنوانین برای مهار فحشا کافی نیست و در این حوزه خلاهای قانونی بسیاری وجود دارد (رواایی، ۱۳۸۴: ۲۳۹).
- در قوانین موجود، تفکیکی بین زنا یا رابطه جنسی و روسپیگری وجود ندارد.

- در نظام قضایی، برخی اعمال از جمله قوادی که زمینه ارتکاب فحشا و تن فروشی را فراهم می‌آورد یا به گسترش دامنه آن منجر می‌شود، جرم انگاشته شده است.

- سیاست جنایی قانون مجازات اسلامی شدیداً به بسط و توسعه قلمرو جرم‌انگاری روسپیگری و ممنوعیت‌های کیفری، هم از نظر کمی و هم کیفی، گرايش دارد و قضا

1. harm reduction

تا ۳۰۰ هزار زن روسپی در کشور و ۳۰ هزار زن خیابانی در تهران نیز از جمله برآوردهای اعلام شده در گزارش‌های روزنامه‌هاست که فاقد هرگونه پشتوانه روش‌ستانختی است (صدای عدالت، ۸۱/۱۰/۱۷).

در گزارش دیگری نیز یک کارشناس آسیب‌های اجتماعی اظهار داشت که بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار زن خودفروش در جامعه ما قابل رویابی هستند (معینی، ۱۳۸۲). در مقابل این اظهارنظرها، مدیرکل وقت دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی بهزیستی در مصاحبه‌ای گفت: «من می‌گویم که از نظر فحشا در مرحله بحران نیستیم. فحشا رو به افزایش است چون جمعیت زیاد است، بیکاری و فقر زیاد است. من مطلقاً آمار صدهزاری و میلیونی زنان روسپی را نمی‌پذیرم، این آمار کاملاً غیرعلمی است. می‌پذیرم که فحشا رو به رشد است. آمارها هم نشان می‌دهد که انواع فساد از رشد سالانه ۱۰ تا ۱۵ درصدی برخوردار است و حداقل ظرف شش، هفت سال آینده دو برابر خواهد شد، شاید هم بیشتر. اما با تمام این احوال، کمتر از ۵ درصد جامعه درگیر این مسائل هستند و این رشد هم در بین همین ۵ درصد مشاهده می‌شود» (معتمدی، ۱۳۸۲).

اظهارات فرمانده وقت نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۱ مبنی بر تشکیل ۲۹ هزار و ۳۱۸ پرونده در خصوص خانه‌های فساد که ۱۶ هزار و ۳۲۹ فقره از آنها در قالب باندهای فساد فعالیت داشته‌اند و دستگیری ۶ هزار و ۷۰۱ نفر در همین ارتباط (قالیاف، ۱۳۸۱) نیز گمانه‌زنی‌های جدیدی را درباره تعداد زنان تن‌فروش مطرح کرد زیرا در صورتی که تعداد زنان فعال در هر باند را ۳ تا ۵ نفر در نظر بگیریم، تعداد زنان در خانه‌های فساد کشف شده از سوی نیروی انتظامی بین ۴۸ تا ۹۰ هزار نفر برآورد می‌شود. از سوی دیگر، خانه‌های کشف شده باید تنها بخشی از کل خانه‌های فعال در زمینه روسپیگری محسوب شوند، و بر این اساس باید، برای برآورد تعداد زنان روسپی، دامنه ۴۸ تا ۹۰ هزار نفر را بین ۵ تا ۱۰ برابر افزایش دهیم. فرمانده وقت نیروی انتظامی، پس از اشاره به کشف ۱۶ هزار و ۳۲۹ باند فساد، یادآور شد که در این ارتباط ۶ هزار و ۷۰۱ نفر بازداشت شده‌اند، در حالی که تعداد افراد فعال در باندها نمی‌تواند کمتر از تعداد باندهای فساد باشد. باز هم در صورتی که تعداد افراد بازداشت شده را حدود یک‌دهم زنان فعال در زمینه روسپیگری در نظر بگیریم، به برآورد حدود ۶۰ هزار زن تن‌فروش می‌رسیم. البته عنوان خانه‌های فساد و باندهای فساد که از سوی فرمانده نیروی

دارد زیرا در سیاری از موارد، گروهی خاص از زنان موضوع مطالعه بوده‌اند که باز هم ما را در تعیین اطلاعات دچار محدودیت می‌کند. در هر حال، با توجه به غیرقانونی بودن تن‌فروشی و اعمال مجازات‌های سخت برای آن، زنان تن‌فروش در ردیف جمیعت‌های پنهان قلمداد می‌شوند که مطالعه درباره آنها بسیار دشوار و با محدودیت‌های جدی همراه است.

همه‌گیری (شیوع)

در سال‌های اخیر، میزان شیوع روسپیگری و تعداد زنان روسپی یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز میان صاحب‌نظران، مدیران دستگاه‌های دولتی و کارشناسان بوده است. به همین دلیل درباره میزان شیوع این پدیده نظرات بسیار متعددی مطرح شده است. به علاوه، پنهان بودن این مشکل اجتماعی نیز ارزیابی‌های متعارف درباره شیوع آن را ناممکن ساخته است.

شاید کمترین آمار در این زمینه از زبان رئیس کل وقت دادگستری استان تهران بیان شده باشد که از وجود ۲۰۰۰ زن خیابانی در تهران خبر داد (معتمدی، ۱۳۸۰). تعداد زیادی از گزارش‌ها نیز بر آمار مدیر کل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی تکیه کرده‌اند. وی گفته بود که آمارهای رسمی بیانگر وجود ۴۰۰۰ زن خیابانی در ایران است. وی میزان رشد تعداد دختران خیابانی و زنان ویژه را در شش ماهه اول سال ۱۳۸۲ نسبت به مدت مشابه سال پیش از آن ۱۰ تا ۱۵ درصد اعلام کرده بود (معتمدی، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴).

اما کارشناسان آسیب‌های اجتماعی معمولاً میزان شیوع بیشتری را برای روسپیگری برآورد کرده‌اند. برای مثال، یک کارشناس ارشد جامعه‌شناسی در مصاحبه‌ای گفت: «آمار دختران فراری تنها در شهر تهران از ۱۲۰۰ نفر در سال ۱۳۷۹ به ۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده و در سال ۱۳۸۱ از ۶۰۰۰ نفر فراتر رفته است.» در همین گزارش آمده که حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر از زنان برای تأمین معاش خود و فرزندانشان تسلیم تن‌فروشی می‌شوند، و تنها در شش ماه اول سال ۱۳۸۲ صدها عشترکده کشف شده و حدود ۲۵ هزار نفر در رابطه با فحشا دستگیر شده‌اند (انتظامی، ۱۳۸۳).

برآورد تعداد روسپیان گاه بسیار متفاوت با آمار رسمی است. برای مثال، یک جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تعداد زنان خیابانی را در تهران به صراحت ۳۰۰ هزار نفر عنوان کرد (قرابی مقدم، ۱۳۸۴) که حتی با آمار ۴۰۰۰ نفری هم فاصله چشمگیری دارد. رقم ۲۰۰

نسبت به روند رو به افزایش این مشکل اجتماعی.

ویژگی‌های فردی سن

بر پایهٔ پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، میانگین سنی زنان تن فروش شهر تهران معادل ۲۷/۶ سال است و بیشترین فراوانی تن فروشی به گروه سنی ۲۵ تا ۲۷ سال اختصاص دارد. یافتهٔ مطالعهٔ فرمانفرمائیان (۱۳۴۷) دربارهٔ میانگین سنی زنان تن فروش تهران ۳۰/۸ سال است. سایر مطالعات مربوط به تن فروشی شامل معینی (۱۳۸۱)، کامرانی فکور (۱۳۸۱)، صابری (۱۳۸۲)، و روایی (۱۳۸۴) و شرافتی‌پور (۱۳۸۴)، در مقایسه با پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، میانگین سنی کمتری را برای زنان تن فروش برآورد کرده‌اند. البته در دو پژوهش اول، جامعهٔ آماری را گروه‌های خاصی از زنان تن فروش تشکیل داده‌اند. مطالعهٔ معینی (۱۳۸۱) دختران مبتلا به اختلال جنسی در زندان‌ها و مراکز سازمان بهزیستی و مطالعهٔ کامرانی فکور (۱۳۸۱) زنان نگهداری شده در مراکز بهزیستی را دربرمی‌گیرد. در حالی که در مطالعهٔ صابری (۱۳۸۲)، شرافتی‌پور (۱۳۸۴) و روایی (۱۳۸۴) همهٔ یا بخشی از جامعهٔ آماری را زنان تن فروش آزاد (بازداشت‌نشده) تشکیل می‌دهند و بخشی را هم زنان نگهداری شده در مراکز سازمان بهزیستی که اغلب دختران فراری با ویژگی‌های بسیار اختصاصی‌اند و معرف جامعهٔ زنان روسپی نیستند.

در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) بالاترین فراوانی گروه سنی در تن فروشان شهر تهران ۲۵ تا ۲۷ سال برآورد شده که در دامنهٔ سنی گزارش شدهٔ معینی (۱۳۸۱) قرار دارد. اما صابری (۱۳۸۲)، روایی (۱۳۸۴) و شرافتی‌پور (۱۳۸۴) محدودهٔ سنی پایین‌تری را گزارش کرده‌اند. با توجه به فاصلهٔ زمانی سه مطالعهٔ مذکور، احتمالاً محدودهٔ سنی پایین‌تر ناشی از جامعهٔ آماری آنهاست که شامل دو گروه زنان تن فروش آزاد و زندانی یا نگهداری شده در مراکز سازمان بهزیستی بوده است.

تحصیلات

بر پایهٔ یافته‌های پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) ۹۵/۵ درصد زنان تن فروش فعال در شهر تهران باسوساد بوده و ۸۷/۱ درصد تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم داشته‌اند و بیشترین فراوانی سطح

انتظامی مطرح شده لزوماً به معنای مورد نظر این پژوهش نیست و لذا یافته‌های فوق الذکر باید با احتیاط کامل مورد بررسی قرار گیرد. در برخی روزنامه‌ها نیز گزارش‌هایی منتشر شد که فاقد منبع اطلاعات بود، از جمله روزنامهٔ قدس (۸۱/۷/۲۵) در گزارشی نوشته که مسائل مادی نمی‌تواند تهها عامل روسپیگری در تمامی مناطق کشور به شمار آید چنانکه استان کهگیلویه و بویراحمد، به رغم آنکه جزو نواحی محروم است، با ۰/۷ درصد زن خیابانی، کمترین میزان را به خود اختصاص داده است و در مقابل، استان خراسان با ۴/۲۲ درصد و تهران با ۱۴ درصد زن روسپی بیشترین میزان را دارا هستند. در این گزارش، مبنای نسبت ارائه شده مشخص نیست.

در سال ۱۳۸۳ اعلام شد که به طور متوسط ماهانه ۲۲۰ زن خیابانی از سوی نیروی انتظامی و ادارهٔ مبارزه با مفاسد اجتماعی جمع‌آوری می‌شوند (روزنامهٔ عتماد، ۸۳/۱۲/۱۹). روزنامه‌ای دیگر هم نوشت که ۴۶۳۱ نفر به اتهام اعمال و رفتار خلاف عرف عمومی در زندان‌های کشور به سر می‌برند (روزنامهٔ توسعه، ۸۰/۹/۱۱). در گزارشی دیگر نیز آمد که، براساس آمارهای اعلام شده، طی ۹ ماهه اول سال ۱۳۸۲، بیش از ۱۳۰۰ زن خیابانی در سطح کشور جمع‌آوری و به ۱۷ مرکز زنان آسیب‌دیده در کل کشور ارجاع داده شدند. محمد رضا راه‌چمنی، رئیس وقت سازمان بهزیستی کشور، در مصاحبه‌ای اعلام کرد: «به طور تقریبی عرض کنم که سالانه در حدود ۳۰۰۰ نفر به مراکز ما آمده و برگشت سالیم به جامعه داشته‌اند» (روزنامهٔ همشهری، ۸۴/۹/۳).

در برخی از برآوردهای منتشر شده، تعداد دختران فراری مبتدا در نظر گرفته شده زیرا آنان پس از خروج از خانه به سرعت وارد بازار تن فروشی می‌شوند. برای مثال، طبق گزارشی، روزانه ۴۵ دختر از خانه فرار می‌کنند که فقط ۱۳ نفر از آنها به خانه بازمی‌گردند (روزنامهٔ رسالت، ۸۰/۴/۱۵). بر پایهٔ این گزارش می‌توان برآورد کرد سالیانه نزدیک به ۱۶۸۰ دختر فراری در معرض ورود به بازار روسپیگری بوده‌اند.

با توجه به گزارش‌ها و اظهارات فوق از یک سو و ماهیت پنهانی روسپیگری از سوی دیگر، به دشواری می‌توان بر پایهٔ یک روش علمی تعداد زنان تن فروش را در حال حاضر تخمین زد. در واقع، همهٔ یا لاقل بخش قابل توجهی از اظهارات مطرح شده در خصوص تعداد روسپیان فاقد پشتونه علمی و اتکا به شواهد قابل قبول است. با این همه، ادعاهای فوق به نوعی هشداری هستند

سابقه بیماری روانی

بر پایه نتایج پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، ۳۲/۶ درصد از پاسخگویان سابقه مراجعه به روانپزشک یا روانشناس به دلیل مشکلات روانی داشته‌اند. سهم زنان دارای سابقه بیماری روانی در مطالعات کامرانی فکور (۱۳۸۱) و روایی (۱۳۸۴) کمتر بوده است. در میان گروه زنان دارای سابقه بیماری روانی در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، بالاترین نوع اختلال روانی افسردگی بوده و شیوع آن در میان این گروه از زنان ۴۱/۳ درصد بوده است. در دو مطالعه کامرانی فکور (۱۳۸۱) و روایی (۱۳۸۴) شیوع این اختلال به ترتیب ۴۸/۱ و ۵۸/۸، یعنی بالاتر از پژوهش اول گزارش شده است.

ویژگی‌های خانوادگی

وضعیت تأهل

در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، سهم زنان مطلقه از کل نمونه زنان روسپی معادل ۳۸/۶ درصد به دست آمده که بیش از نتایج برخی تحقیقات قبلی از جمله شرافتی‌پور (۱۳۸۴) و صابری (۱۳۸۲) به ترتیب معادل ۱۸ و ۱۷/۴ درصد است. در عین حال، در مطالعه فرمانفرمائیان (۱۳۴۷) که در آن از سابقه طلاق زنان پرسش شده، و همچنین مطالعه علیایی زند (۱۳۸۳) که جامعه آماری آن زنان نگهداری شده در مراکز سازمان بهزیستی بوده‌اند، سهم زنان مطلقه ۸۲/۳ درصد و بیش از دو برابر یافته پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) برآورد شده است. از سوی دیگر، سهم زنان بدون سابقه ازدواج یا مجرد که در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) معادل ۴۱/۸ درصد برآورد شده، در مطالعات فرمانفرمائیان (۱۳۴۷) معادل ۲۱/۸ درصد، علیایی زند (۱۳۸۳) معادل ۹/۵ درصد، و روایی (۱۳۸۴) معادل ۳۷/۲ درصد و کمتر از پژوهش نخست است. در مقابل، مطالعات معینی (۱۳۸۱)، صابری (۱۳۸۲) و شرافتی‌پور (۱۳۸۴) سهم بیشتری برای مجردان یا ازدواج نکرده‌ها، به ترتیب معادل ۷۱/۶، ۵۰ و ۶۶ درصد، تخمین زده‌اند.

در میان مطالعات مورد بحث، تنها شرافتی‌پور (۱۳۸۴) وضعیت زنان را در زمان اجرای پژوهش خود بررسی کرده و بر این اساس نتیجه گرفته که ۱۴ درصد زنان روسپی ازدواج کرده و متاهل هستند. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) مبنی بر آنکه ۱۵/۴ درصد زنان روسپی در وضعیت ازدواج

تحصیلات مربوط به دیگران بوده است. یافته‌های مذکور با نتایج مطالعه فرمانفرمائیان (۱۳۴۷) مبنی بر بی‌سواد بودن حدود ۸۸/۷ درصد زنان تن فروش تفاوت جدی دارد و نشان‌دهنده تغییرات مهم در این گروه از زنان است. در میان مطالعات انجام‌شده، بالاترین نرخ بی‌سوادی زنان تن فروش (۱۳/۳ درصد) در مطالعه شرافتی‌پور (۱۳۸۴) گزارش شده است. مطالعه روایی (۱۳۸۴) نسبت زنان تن فروش بی‌سواد را حتی کمتر از پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) و معادل ۲/۹ درصد گزارش کرده است.

بالاترین سطح تحصیلی زنان تن فروش در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) به ترتیب دیلم (۲۷/۶ درصد)، ابتدایی و راهنمایی ۲۶/۶ درصد، و دیگران (۲۰/۶ درصد) گزارش شده که در مقایسه با دو پژوهش روایی (۱۳۸۴) و شرافتی‌پور (۱۳۸۴) نشان‌دهنده افزایش سطح تحصیلی زنان تن فروش است.

نکته مهم در بررسی الگوی تحصیلی تن فروش افزایش نسبت افراد باسواد در دهه‌های اخیر است. به علاوه، در این زمینه، افزایش سهم زنان دارای تحصیلات دانشگاهی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است.

با توجه به تغییرات سطح تحصیلات زنان تن فروش، می‌توان نتیجه گرفت که تن فروشی اختصاص به سطح تحصیلی خاصی ندارد.

محل تولد

اطلاعات حاصل از پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که ۴۵/۶ درصد از زنان تن فروش شهر تهران در تهران متولد شده‌اند و بقیه در شهری غیر از تهران. این یافته‌ها با نتایج مطالعه شرافتی‌پور (۱۳۸۴) تقریباً مشابه است و تفاوت اندکی با نتایج پژوهش روایی (۱۳۸۴) دارد. در هر دو تحقیق فوق‌الذکر، کمتر از نیمی از زنان تن فروش شهر تهران متولد این شهر بوده‌اند. نکته حائز اهمیت افزایش قابل توجه سهم زنان تن فروش متولد شهر تهران در این سه پژوهش در مقایسه با یافته‌های مطالعه فرمانفرمائیان (۱۳۴۷) در این زمینه است که نشان می‌دهد، در فاصله زمانی ۱۳۴۷ تاکنون، به سرعت و متناسب با تغییرات جمعیتی شهر تهران، بر نسبت متولدان شهر تهران در میان زنان تن فروش افزوده شده و از حدود ۹/۵ درصد به اندکی کمتر از ۵۰ درصد رسیده است.

۱۱/۸ درصدی زنانی است که با شوهر خود زندگی مشترک دارند. این نسبت در مطالعه فرمانفرماییان (۱۳۴۷) ۰/۱ درصد و در مطالعه روایی (۱۳۸۴) تنها ۲/۲ درصد برآورد شده است. این یافته و شواهد دیگر دلالت بر افزایش سهم زنان متأهل تن فروش نسبت به سال‌های گذشته دارد.

وضعیت والدین

یافته‌های پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که والدین ۱۰/۵ درصد از زنان روسپی طلاق گرفته‌اند. این میزان کمتر از یافته‌های مطالعات صابری (۱۳۸۲)، علیایی زند (۱۳۸۳) و روایی (۱۳۸۴) است. در تحقیقات مذکور، به ترتیب، ۱۸/۳، ۳۴ و ۴۷ درصد از والدین زنان تن فروش طلاق گرفته بودند. بر پایه نتایج مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، از مجموع زنان روسپی که پدرشان در قید حیات بود، ۲۲ درصد پدر بی‌سواند. مقایسه یافته‌ها درباره میزان تحصیلات پدران زنان روسپی در تحقیقات مربوط به قبل و پس از انقلاب حکایت از کاهش سهم پدران بی‌سواند، و سهم پدران بی‌سواند در این مطالعه از همه تحقیقات پیشین، از جمله فرمانفرماییان (۱۳۴۷) معادل ۷۰/۳، علیایی زند (۱۳۸۳) معادل ۴۳/۵، شرافتی‌بور (۱۳۸۴) معادل ۴۰، و روایی (۱۳۸۴) که این سهم را ۳۰ درصد برآورد کرده کمتر است. اگرچه تغییرات مبنی بر کاهش سهم پدران بی‌سواند همسو با تغییرات جمعیتی و کاهش جمعیت بی‌سواند کشور است، در عین حال نشان دهنده تغییرات جدی در الگو و عوامل روسپیگری نیز هست. نتایج پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد، در میان زنان روسپی که پدرشان در قید حیات بوده، ۱۱/۵ درصد پدران بیکار بوده‌اند. این میزان بیکاری، که تقریباً معادل نرخ بیکاری جمعیت فعال کشور است، بیشتر از سهم پدران بیکار در کلیه مطالعات قبلی است، از جمله مطالعه شرافتی‌بور (۱۳۸۴) که بالاترین سهم را برای پدران بیکار در میان مطالعات قبلی و معادل ۱۰ درصد گزارش کرده است. نکته مهم دیگر اشتغال پدران به مشاغل غیرقانونی است. اگرچه در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) این مسئله مستقیماً سؤال نشده، با توجه به سهم ۱۴/۳ درصدی پدرانی که سابقه ارتكاب جرم و زندان داشته‌اند، احتمالاً سهم مشاغل غیرقانونی پدران شاغل باید همین میزان یا بیشتر برآورد شود که در مقایسه با تحقیقات قبلی قابل توجه است. برای مثال،

دائم یا وقت قرار داشته‌اند همخوانی دارد.

وضعیت همسر

در مجموع، تنها همسران ۱۵/۳ درصد از جمعیت نمونه پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) در قید حیات گزارش شده‌اند. براساس نتایج همین مطالعه، در میان همسران زنان روسپی، ۵ درصد بی‌سواند بوده و ۵۵ درصد تحصیلات کمتر از دیپلم داشته‌اند. اینداده‌ها با یافته‌های فرمانفرماییان (۱۳۴۷)، روایی (۱۳۸۴) و شرافتی‌بور (۱۳۸۴) تفاوت‌های مهم دارد، به این معنا که در این پژوهش‌ها سهم همسران بی‌سواند بی‌ترتیب ۱/۵۴، ۱/۱۷ و ۱/۱۸ درصد گزارش شده که بیشتر از پژوهش نخست است. به علاوه، در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، سهم شوهران با تحصیلات زیر دیپلم کمتر و سهم شوهران با تحصیلات دیپلم و بالاتر بیشتر از سه مطالعه دیگر است. برای مثال، سهم شوهران دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم که در تحقیقات روایی (۱۳۸۴) و شرافتی‌بور (۱۳۸۴) به ترتیب ۴/۳ و ۶/۱ درصد گزارش شده بود، در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) معادل ۲۰ درصد برآورد شده است.

اعضای خانواده

یافته‌های پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) درباره تعداد اعضا خانواده زنان روسپی در حد فاصل نتایج دو مطالعه فرمانفرماییان (۱۳۴۷) و روایی (۱۳۸۴) است، به این معنا که در مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) بیشترین فراوانی اختصاص به کسانی دارد که تعداد اعضا خانواده آنان کمتر از سه نفر اظهار شده است ۶۵/۸ درصد). در مطالعه فرمانفرماییان (۱۳۴۷) ۴۸/۵ درصد زنان یک یا دو نفر عضو خانواده داشته‌اند، در حالی که در مطالعه روایی (۱۳۸۴) تعداد اعضا خانواده ۹۴/۵ درصد زنان دو نفر یا کمتر گزارش شده است.

نسبت زنان تن فروش که با فرزند یا فرزندان خود زندگی می‌کنند در مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) ۲۷/۵ درصد گزارش شده که در مقایسه با نتایج دو مطالعه فرمانفرماییان (۱۳۴۷) و روایی (۱۳۸۴)، به ترتیب معادل ۵۵/۲ و ۶۲/۲ درصد، کمتر است. این امر شاید تاحدودی به افزایش تمایل زنان تن فروش به استفاده از وسائل پیشگیری از بارداری و احتمالاً کاهش بارداری ناخواسته از بین آنان و همچنین افزایش موارد سقط مرتبط باشد. از نکات حائز اهمیت در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) سهم

با وجود آنکه بین $\frac{23}{3}$ /۳ تا $\frac{33}{6}$ /۶ درصد (شرافتی پور، ۱۳۸۴) از روسپیان اولین رابطه جنسی خود را در پی ازدواج داشته‌اند، در پژوهش شرافتی پور (۱۳۸۴) $\frac{32}{6}$ /۶ درصد پاسخگویان تجاوز جنسی را اولین رابطه جنسی خود ذکر کرده‌اند. بر پایه یافته‌های مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نیز $\frac{11}{7}$ /۷ درصد زنان تن فروش اولین رابطه جنسی خود را به اجبار برقرار کرده‌اند. سهم قابل توجه اغفال و فربیب در برقراری اولین رابطه جنسی، که $\frac{18}{9}$ /۹ درصد در مطالعه وروایی (۱۳۸۴) و $\frac{22}{6}$ /۶ درصد در مطالعه شرافتی پور (۱۳۸۴) گزارش شده، نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا کودکان بیش از بزرگسالان در معرض اجبار به رابطه جنسی قرار دارند.

سابقه و سن ارتکاب اولین جرم

اگرچه به دلیل غیرقانونی بودن روسپیگری در قوانین قبل و بعد از انقلاب، زنان روسپی مجرم قملداد می‌شوند، در عین حال پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که حدود نیمی از روسپی‌های مورد مطالعه، علاوه بر روسپیگری، مرتکب جرایم دیگر نیز شده‌اند. در مطالعه فرمانفرمایان (۱۳۴۷) $\frac{32}{3}$ /۳ درصد، وروایی (۱۳۸۴) $\frac{48}{9}$ /۹ درصد، و مدنی و دیگران (۱۳۸۶) $\frac{40}{6}$ /۶ درصد از روسپیان مورد مطالعه سابقه بازداشت داشته‌اند.

مقایسه نتایج دو پژوهش فرمانفرمایان (۱۳۴۷) وروایی (۱۳۸۴) درباره سن شروع ارتکاب جرم نشان می‌دهد که سن شروع در سال‌های اخیر در مقایسه با گذشته کاهش یافته است. به طور مشخص، در حالی که $\frac{3}{5}$ /۵ درصد جمعیت نمونه در مطالعه فرمانفرمایان (۱۳۴۷) در سنین کمتر از ۲۵ سال مرتکب جرم شده‌اند، در مطالعه وروایی (۱۳۸۴) $\frac{29}{5}$ /۵ درصد جمعیت نمونه فعالیت مجرمانه را در سنین مذکور آغاز کرده‌اند. از این گذشته، در مطالعه وروایی (۱۳۸۴)، $\frac{18}{5}$ /۵ درصد از زنان در سنین کمتر از ۲۰ سالگی اولین ارتکاب جرم را داشته‌اند. مدنی و دیگران (۱۳۸۶) گزارش کرده‌اند که $\frac{13}{3}$ درصد زنان قبل از شروع تن فروشی سابقه بازداشت و زندان به میزان یک هفته تا یک سال را داشته‌اند.

الگوی کار و بازار معرف به بازار

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که $\frac{19}{7}$ /۷ درصد (علیایی زند، ۱۳۸۳)

در پژوهش علیایی زند (۱۳۸۳) اشاره شده که $\frac{11}{8}$ /۸ درصد پدران زنان روسیی مورد مطالعه مشاغل غیرقانونی داشته‌اند، وروایی (۱۳۸۴) نیز سهم پدران دارای مشاغل غیرقانونی را $\frac{5}{5}$ /۵ درصد برآورد کرده که در هر دو مطالعه، سهم مشاغل غیرقانونی پدران از نسبت پدران دارای سابقه جرم و زنان در مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) کمتر است.

سهم مادران بی‌سواد در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) معادل $\frac{33}{3}$ درصد گزارش شده که از همه تحقیقات پیش از آن، از جمله فرمانفرمایان (۱۳۴۷)، علیایی زند (۱۳۸۳)، شرافتی پور (۱۳۸۴) و وروایی (۱۳۸۴) کمتر است. کمترین سهم مادران بی‌سواد را وروایی (۱۳۸۴) و معادل $\frac{40}{4}$ درصد گزارش کرده که باز هم بیشتر از نتایج مطالعه نخست است.

۴. الگوهای تن فروشی

الگوی شروع تن فروشی

سن شروع تن فروشی

تقریباً براساس نتایج تمامی پژوهش‌ها، بیشتر روسپیان فعالیت خود را در بازه سنی ۱۶ تا ۲۰ سالگی آغاز کرده‌اند (فرمانفرمایان، ۱۳۴۷؛ صابری، ۱۳۸۲؛ علیایی زند، ۱۳۸۳؛ وروایی، ۱۳۸۴؛ شرافتی پور، ۱۳۸۴؛ مدنی و دیگران، ۱۳۸۶). نکته قابل تأمل دیگر اینکه اغلب پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد روسپی‌ها در سنین پایین‌تر از ۱۵ سال وارد این حرفه شده‌اند.

میانگین سن شروع روسپیگری در زنان در پژوهش فرمانفرمایان (۱۳۴۷) در گودنشین معادل $\frac{35}{5}$ /۵، $\frac{32}{6}$ /۶، خیابانی $\frac{24}{8}$ /۸ و زندانی $\frac{17}{5}$ /۵ سال، در پژوهش صابری (۱۳۸۲) معادل $\frac{17}{7}$ /۷ سال، در پژوهش وروایی (۱۳۸۴) معادل $\frac{19}{4}$ /۴ سال، و در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) معادل $\frac{22}{4}$ /۴ سال گزارش شده است. مقایسه این یافته‌ها به طور کلی حکایت از کاهش سن شروع روسپیگری در سال‌های اخیر در مقایسه با گذشته دارد. در مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، سن شروع در دامنه حداقل ۸ تا حداً کثر $\frac{43}{3}$ سالگی اعلام شده است. همچنین یافته‌های پژوهش مذکور نشان داد که $\frac{25}{3}$ /۳ درصد پاسخگویان در سنین کودکی (زیر ۱۸ سال) به تن فروشی روی آورده‌اند.

ویژگی اولین رابطه جنسی

و مدنی و دیگران (۱۳۸۶) در زمینه ساعات کار زنان روسپی نشان دهنده تغییر اساسی الگوی فعالیت روسپیان است. فرمانفرما میان (۱۳۴۷) گزارش می کند که بیش از نیمی از روسپیان زمان کار خود را صبح اظهار کرده اند در حالی که در مطالعه روایی (۱۳۸۴) حدود نیمی از روسپیان پاسخگو ساعات فعالیت خود را ۱۷ تا ۲۰ اعلام داشته اند. مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نیز نشان می دهد ۶۹/۶ درصد زنان در حد فاصل ۱۶ بعدازظهر تا ۲۴ نیمه شب فعالیت می کنند.

این تغییر الگو می تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله تفاوت شرایط قضایی باشد زیرا در حالی که امروز تن فروشی جرم است و به صورت غیرقانونی انجام می شود، در زمان مطالعه فرمانفرما میان (۱۳۴۷)، روسپیان قلعه به صورت علی و مشخص به روسپیگری می پرداختند. بخشی از این تغییر الگو نیز متأثر از ترجیحات مشتریان است.

دستمزد و مبلغ دریافتی

در میان پژوهش های انجام شده، تنها در مطالعه روایی (۱۳۸۴) و مدنی و دیگران (۱۳۸۶) به بررسی بازار روسپیگری و مبلغ دریافتی به ازای هر رابطه جنسی پرداخته شده است.

بر طبق یافته های روایی (۱۳۸۴)، ۲۵ درصد روسپی ها برای هر بار ارائه خدمات جنسی به مشتریان بین ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان دریافت می کنند، ۱۳/۳ درصد روسپیان نیز اظهار داشته اند که کمتر از ۱۰ هزار تومان دریافت می دارند. تبعه مبالغ ذکر شده به ازای هر رابطه جنسی با سن و دیگر ویژگی های زنان روسپی و مشتریان مرتبط است. یافته ها در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نیز نشان دهنده دامنه گسترده ای از قیمت به ازای هر نوبت رابطه جنسی است. بر اساس مطالعه مذکور، میانگین درآمد زنان روسپی در هفته ۱۹۲/۷ هزار تومان است و بیشترین فراوانی اختصاص به زنانی دارد که میزان درآمدشان در هفته معادل ۱۵۰ هزار تومان است. با در نظر گرفتن تعداد متوسط ۷/۲ مشتری در هفته، میانگین درآمد زنان در هر نوبت ارائه خدمات حدود ۲۶ هزار تومان برآورد شده است.

مدت فعالیت روسپیگری

روایی (۱۳۸۴) مدت فعالیت زنان را بررسی کرده است. بر طبق یافته های این پژوهش، اکثر زنان تن فروش بین سال های اول تا

تا ۲۸ درصد (صابری، ۱۳۸۲) دختران و زنان تن فروش به انتخاب خود وارد این کار شده اند. طبق اظهارات پاسخگویان، دوستان و زنان همسایه در ۵۸/۵ درصد (علیایی زن، ۱۳۸۳) تا ۶۲/۶ درصد (صابری، ۱۳۸۲) بیشترین نقش را در ورود زنان به بازار روسپیگری داشته اند. مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نیز یافته مشابه داشته که بر اساس آن، ۵۴/۴ درصد زنان از طریق دوستان خود (همسایه ها و دیگر آشنايان بجز اقوام) با اولین مشتری آشنا شده اند. این نتایج نظریه همنشینی افتراقی را در تبیین علل و عوامل گرایش به تن فروشی تأیید می کند. در پژوهش های مورد اشاره، پدر یا مادر و همسر نیز در گروه مشوقین زنان برای تن دادن به روسپیگری قرار داشته اند. مطابق یافته های مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) به ترتیب مشتریان، اقوام و والدین سهم بیشتری در وادار کردن زنان به اولین رابطه جنسی اجباری داشته اند. در این زمینه، توجه به گرایش اغلب زنان روسپی و سایر گروه های آسیب دیده اجتماعی به منتبه کردن علل وضعیت نامطلوب خود به عوامل بیرونی از اهمیت برخوردار است (فیشر به نقل از کامرانی فکور، ۱۳۸۱).

سازمان کار

مقایسه پژوهش فرمانفرما میان (۱۳۷۴)، روایی (۱۳۸۴) و مدنی و دیگران (۱۳۸۶) بیانگر آن است که الگوی غالب فعالیت در بین روسپیان فردی است، هرچند که سهم این روش بر اساس مطالعات سال های اخیر در مقایسه با پژوهش فرمانفرما میان (۱۳۴۷) کاهش یافته و در مقابل بر سهم فعالیت زیر نظر فرد یا گروه افزوده شده است. البته باید توجه داشت که جامعه آماری مطالعه فرمانفرما میان (۱۳۴۷) روسپیان قلعه شهر نو بوده اند که الگوی فعالیت آنها بسیار متفاوت با جامعه مورد بررسی روایی (۱۳۸۴) و مدنی و دیگران (۱۳۸۶) یعنی روسپیان خیابانی شهر تهران بوده است. در مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، ۱۷/۱ درصد زنان اظهار داشته اند که زیر نظر یک فرد (قواد) و ۲/۷ درصد گفته اند که زیر نظر گروه فعالیت می کنند. اما در مطالعه فرمانفرما میان (۱۳۴۷) هیچ الگوی فعالیت گروهی گزارش نشده و زنان روسپی عمده ای در قالب سازمان سنتی درون شهر نو فعالیت داشته اند.

ساعات کار

مقایسه یافته های پژوهش فرمانفرما میان (۱۳۴۷) و روایی (۱۳۸۴)

آمده باشد)، در هر شرایطی، اعم از اینکه کودک فاعل باشد یا مفعول، آگاه به کارش باشد یا نباشد، منافع آن را تملک بکند یا ذی نفع نباشد، مذاکرات آن را انجام بدهد یا از آن مطلع نباشد. متأسفانه، به دلیل محدودیت‌های بسیار و دشواری‌های قابل پیش‌بینی، تاکنون پژوهش مستقلی درباره کودکان تن فروش در ایران انجام نشده و تنها در برخی مطالعات به یافته‌های مربوط به آنان اشاره شده است. مباحثات بر سر سن تن فروشی کودکان در سوابق پژوهشی بر روشن کردن دو موضوع متمرکز است: میانگین سنی ورود جوانان به روسپیگری، و سنی که برای تعریف روسپیان جوان به کار می‌رود. در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) متوسط سن شروع تن فروشی زنان $22\frac{1}{4}$ سال گزارش شده که در زنانی که در کودکی (پیش از ۱۸ سالگی) این کار را شروع کرده‌اند میانگین سن شروع $16\frac{9}{10}$ سال و در کسانی که در بزرگسالی (پس از ۱۸ سالگی) وارد بازار تن فروشی شده‌اند $24\frac{5}{3}$ سال بوده است. در پژوهش مورد اشاره، $25\frac{1}{4}$ درصد از جامعه آماری قبل از ۱۸ سالگی تن فروشی را شروع کرده‌اند. مطالعه فرمانفرما میان (۱۳۴۷)، علیایی زند (۱۳۸۳)، وروابی (۱۳۸۴) و شرافتی پور (۱۳۸۴) نشان می‌دهد سهم زنانی که قبل از ۱۵ سالگی شروع به تن فروشی کرده‌اند به ترتیب برابر $27\frac{1}{8}$ ، 25 ، $18\frac{4}{4}$ و 32 درصد کل نمونه بوده است. در عین حال، در تمامی مطالعات مورد اشاره، بیشترین فراوانی سن شروع تن فروشی دامنه 16 تا 20 سال گزارش شده است (مدنی و دیگران، ۱۳۸۶). در مجموع، به نظر می‌رسد هنوز سن شروع تن فروشی در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر بالاتر است. در عین حال، سن شروع تن فروشی طی سال‌های اخیر به سرعت کاهش یافته و از الگوی جهانی تعییت کرده است.

پایین آمدن سن اولین تجربه جنسی احتمال گرایش به تن فروشی را افزایش می‌دهد. پژوهش صابری (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که هیچ‌یک از روسپی‌ها در سن زیر 15 سال تجربه جنسی نداشته‌اند. با توجه به اینکه مطابق یافته‌های صابری، 42 درصد زنان روسپی سابقه سوءاستفاده جنسی در کودکی را داشته‌اند، باید یافته فوق یعنی نداشتن تجربه جنسی در سنین کمتر از 15 سال با احتیاط تحلیل و ارزیابی شود.

مطابق پژوهش شرافتی پور (۱۳۸۴) $52\frac{1}{4}$ درصد روسپیان و بر پایه پژوهش وروابی (۱۳۸۴) $35\frac{9}{10}$ درصد آنان در سنین زیر 15 سال اولین تجربه جنسی خود را داشته‌اند. همچنان که ملاحظه

سوم روسپیگری بوده‌اند و به تدریج از سهم روسپیانی که بیش از 3 سال کار کرده‌اند کاسته شده است (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی سابقه روسپیگری در پژوهش وروابی (۱۳۸۴) (درصد)

سن	۰ تا ۹	۱۰ تا ۱۹	۲۰ تا ۲۹	۳۰ تا ۳۹	۴۰ تا ۴۹	۵۰ تا ۵۹	۶۰ تا ۶۹	۷۰ تا ۷۹	۸۰ تا ۸۹	۹۰ تا ۹۹	۱۰۰ تا ۱۰۹
۴/۳	۵/۸	۱۲/۹	۲۷/۵	۳۵/۳	۱۴/۲	۵۱۲	نفر				

این یافته‌ها با نتایج مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) که در آن میانگین مدت تن فروشی زنان $5/8$ سال برآورد شده همخوانی دارد.

۴. کودکان تن فروش

در بسیاری از منابع اولیه، از جمله کنوانسیون حقوق کودکان^۱ (UN، 1989)، روسپیگری کودکان واداشتن کودک به روسپیگری تعریف شده است. اصطلاح روسپیگری کودکان کُرتابی‌هایی هم دارد چرا که طبق برخی تعاریف، کودک فاقد انتخاب و اختیار و آگاهی کامل در عمل جنسی برای انتخاب این فعالیت (یا شغل یا ارائه خدمت یا مبادله) است. در کشورهای مختلف، فارغ از اینکه رویکرد به روسپیگری انکاری، قاعده‌مند، قانونمند، یا جرم‌زا باشد، عموماً یک حداقل سنی برای این کار در حالت قاعده‌مند آن در نظر گرفته شده است و، در مواردی، عدول از این حداقل می‌تواند غیرقانونی و مشمول مجازات برای روسپی یا واسطه باشد. در برخی موارد می‌توان بین روسپیگری کودکان (که هنوز درک کاملی از سکس ندارند) و نوجوانان (که مراحلی از رشد جنسی را طی کرده‌اند) تمایز قائل شد. به لحاظ مفهومی، مستثنه روسپیگری کودکان در بسیاری موارد با مستثنه سکس با کودکان، کودک‌آزاری و کار کودکان همپوشانی دارد. در مواردی هم روسپیگری کودکان با تجارت کودکان برای بهره‌برداری جنسی، «پورنوگرافی کودک» و «سکس توریسم کودکان» مباحث مشترکی دارد. بنابراین، روسپیگری کودکان عبارت است از هرگونه عمل جنسی کودک در مقابل پول، کالا یا خدمات، به اجبار فرد دیگر یا اجبار شرایط اجتماعی یا تقليد از مادر یا حتی به اختیار (اگر اختیار در انجام عمل برای او در قانون

۱. ایران در ۵ سپتامبر ۱۹۹۱ این کنوانسیون را امضا کرده است.

احساسات منجر به آسیب‌پذیری کودکان و تجاوز جنسی مجدد به آنها می‌شود و عاقبت هم به حرفه روسپیگری روی می‌آورند (Fieldwork and Browne, 1989).

یافته‌های پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶) نیز مؤید تاليج تحقیقات پیشین بود و نشان داد نسبت بزرگتری از کودکان روسپی شده، در مقایسه با زنانی که تن فروشی را در بزرگسالی شروع کرده‌اند، سابقه مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفتن قبل از روسپی شدن را دارند. در تحلیل‌های چندمتغیری نیز وجود این رابطه تأیید شده است. به این ترتیب، ارتباط بین سن روسپی شدن با سابقه آزار جنسی در آزمون‌های آماری معنی‌دار بوده است. احتمال اینکه کودکانی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند در بزرگسالی به جرم روسپیگری دستگیر شوند ۷۷/۷ بار بیشتر از کودکانی است که قربانی این مسئله نمی‌شوند (Widom, 1995). احتمال ورود مردان و زنانی که در کودکی یا نوجوانی مورد تجاوز قرار گرفته یا مجبور به انجام فعالیت جنسی شده‌اند به حرفه روسپیگری ۴ برابر کسانی است که قربانی این مسئله نشده‌اند.

براساس مطالعه صابری (۱۳۸۲) ۶۴ درصد، علیایی زند (۱۳۸۳) ۲۲/۵ درصد، شرافتی‌پور (۱۳۸۴) ۷۶/۶ درصد، و مدنی و دیگران (۱۳۸۶) ۳۲/۲ درصد زنان تن فروش سابقه مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفتن در دوران کودکی را داشته‌اند. در پژوهش مدنی و دیگران (۱۳۸۶)، مقایسه دو گروه کودکان روسپی شده و زنانی که پس از ۱۸ سالگی تن فروشی را آغاز کرده‌اند نشان می‌دهد که فرار از خانه قبل از شروع تن فروشی متغیر تعیین‌کننده‌ای در تمایل به تن فروشی است.

۴.۵. علل و عوامل مؤثر

در مطالعات پیشین درباره علل و عوامل تن فروشی، موضوع تنها در سطح توصیفی تبیین شده است. این امر چنانکه بارها در این گزارش اشاره شده است به دلیل دشواری‌ها و ابعاد پیچیده چنین مطالعاتی است. در مطالعه مدنی و دیگران (۱۳۸۶) تلاش شد تا با معیار قرار گرفتن سن شروع و تعیین عوامل مؤثر بر سن شروع تن فروشی، تاحدوی برخی عوامل مهم و اثرگذار توضیح داده شود. در مطالعه مذکور، براساس مدل‌های رگرسیونی، تأثیر ۷ متغیر زیر در بالاترین سطح تبیین سن شروع تن فروشی زنان ($R^2=27.2\%$) تأیید شده است:

می‌شود، براساس یافته‌های این دو مطالعه، سن اولین رابطه جنسی به ترتیج کاهش یافته که نشان‌دهنده افزایش سهم کودکان در پدیده تن فروشی است. مطالعه ذکای (۱۳۸۴) درباره سن اولین رابطه جنسی جوانان شهر تهران شامل دختران و پسران گروه سنی ۱۸-۲۹ سال نشان می‌دهد که ۹۹/۵ درصد آنان سابقه رابطه جنسی داشته و ۳۶/۳ درصد قبل از ۱۸ سالگی اولین تماس جنسی خود را تجربه کرده‌اند. نکته حائز اهمیت در این مطالعه آن است که ۲۵/۸ درصد دختران در مقابل ۴۶/۲ درصد پسران قبل از ۱۸ سالگی اولین رابطه جنسی را داشته‌اند.

در مورد تعریف سن تن فروشی، تحقیقات سینی مختلفی را برای «روسپی‌های جوان»¹ در نظر گرفته‌اند. در ایران به نظر مرسد در مورد سن قابل مجازات یا پیگیری حقوقی روسپیگری رویه واحدی وجود ندارد. ایران پس از پیوستن به پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان در حوزه جرایم سازمان یافته (۱۹۹۰)، قانون مبارزه با قاچاق انسان را در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ به تصویب رساند. مطابق تبصره یک ماده ۲ این قانون، چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتکابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، فرد قاچاقی به حداقل مجازات مقرر محکوم می‌شود. در عین حال، براساس ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ پسر ۱۵ سال و دختر ۹ سال تمام قمری است که با توجه به ماده ۴۹ و تبصره یک آن در قانون مجازات اسلامی، اطفال یعنی کسانی که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشند مبرا از مسئولیت کیفری هستند. به این ترتیب، تفاوت‌های قابل توجهی درباره سن کودکان روسپی شده بین قوانین ایران و دیگر کشورها وجود دارد.

یک موضوع مهم در تحقیقات، ارتباط بین سوءاستفاده فیزیکی، عاطفی و جنسی در کودکی و درگیر شدن در روسپیگری به عنوان پیامد آن است. فینکلهر² و براون³ اظهار می‌دارند کسانی که در کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند دچار احساساتی نظیر ناتوانی، بدنامی و ترس از افشاگری تهاجم جنسی هستند و به رابطه جنسی به عنوان ابزاری برای کسب درآمد نگاه می‌کنند. این

1. juvenile prostitutes

2. Finkelhor

3. Browne

۶. وجود فرد روسپی در میان دوستان

۷. وضعیت تأهل

در جدول ۲ برخی نتایج حاصل از دیگر مطالعات درباره میزان اثرگذاری این متغیرها ارائه شده است.

۱. سابقه سوءاستفاده جنسی قبل از شروع روسپیگری
۲. تعداد افراد تحت تکفل در خانواده
۳. سن اولین ازدواج دائم
۴. سابقه بیماری روانی
۵. سابقه جرم و بازداشت پدر

جدول ۲. خلاصه یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های تحقیقات و پژوهش‌های مربوط به عوامل روسپیگری

عامل مؤثر	مطالعات	جمع‌بندی نتایج
سابقه سوءاستفاده جنسی در کودکی	سابری (۱۳۸۲)، علیایی زند (۱۳۸۳)، شرافتی‌پور (۱۳۸۴)، مدنی و دیگران (۱۳۸۶)	نسبت قابل توجهی از زنان روسپی در کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. دوست پسر بالاترین سهم را در سوءاستفاده جنسی از زنان در کودکی داشته است. سوءاستفاده جنسی اعضای خانواده نیز سهم قابل توجهی داشته است.
تعداد افراد تحت تکفل و نسبت آنها	فرمانفرمائیان (۱۳۴۷)، روایی (۱۳۸۴) مدنی و دیگران (۱۳۸۶)	اکثربت روسپیان مورد بررسی افرادی را تحت تکفل خود داشته‌اند. بیش از نیمی از آنان تکفل فرزندان خود را به عهده داشته‌اند و اگر به این آمار والدین و خواهر و برادر آنها را هم اضافه کنیم، مشخص می‌شود که نزدیک به دو سوم روسپیان مسئولیت اداره زندگی فرزند، والدین، خواهر یا برادر خود را بر عهده داشته‌اند.
سن در ازدواج اول	شرافتی‌پور (۱۳۸۴)، علیایی زند (۱۳۸۳)، مدنی و دیگران (۱۳۸۶)	اکثربت زنان روسپی مورد بررسی سابقه ازدواج در سنین کمتر از ۲۰ سال را داشته‌اند.
سابقه اختلال روانی	کامرانی فکور (۱۳۸۱)، روایی (۱۳۸۴)، مدنی و دیگران (۱۳۸۶)	حدود نیمی از روسپیان سابقه بیماری روانی داشته‌اند. هیپومانی، ضعف روانی، اسکیزوفرنی، افسردگی، پارانویا و هیستری بیشترین شیوع را داشته‌اند.
سابقه جرم و بازداشت پدر	علیایی زند (۱۳۸۳)، روایی (۱۳۸۶)	علیایی زند و روایی با بررسی شغل پدر به ترتیب گزارش کرده‌اند که ۱۱/۸ و ۵/۵ درصد از پدران مشاغل غیرقانونی داشته‌اند. در مطالعه مدنی این متغیر بررسی و مشخص شده ۱۴/۳ درصد پدران سابقه جرم و زندان داشته‌اند.
وجود فرد روسپی در میان دوستان	شاربری (۱۳۸۲)، علیایی زند (۱۳۸۳)، روایی (۱۳۸۴)، شرافتی‌پور (۱۳۸۴)، مدنی و دیگران (۱۳۸۶)	طبق اظهارات پاسخگویان، دوستان و زنان تن فروش همسایه بیشترین نقش را در ورود فرد به روسپیگری داشته‌اند. پدر یا مادر و همسر نیز در گروه مشوقین زنان برای تن دادن به روسپیگری قرار داشته‌اند.
وضعیت تأهل / علی تجرد	فرمانفرمائیان (۱۳۴۷)، صدیق سروستانی (۱۳۷۲)، معینی (۱۳۸۱)، صابری (۱۳۸۲)، علیایی زند (۱۳۸۳)، روایی (۱۳۸۴)، شرافتی‌پور (۱۳۸۴)، مدنی و دیگران (۱۳۸۶)	در دهه ۱۳۸۰، نسبت به دهه‌های گذشته، سهم دختران مجرد در فحشا افزایش یافته است. حدود ۱۰ درصد از زنان روسپی همسر خود را به دلیل فوت از دست داده‌اند که می‌تواند نشان‌دهنده احتمال گرایش به روسپیگری در میان زنان سرپرست خانوار به دلیل فقدان حمایت‌های اجتماعی- اقتصادی باشد. عدم تمایل به ازدواج در بخشی از زنان نشانه‌ای است از تغییر الگو و سیک زندگی زنان و دختران شاغل در روسپیگری

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مناطقی و همچنین سرمایه‌گذاری در زمینه تولید اطلاعات و توسعه تحقیقات و پژوهش‌های علمی و تخصصی مرتبط با بهره‌کشی از انسان‌ها، بهره‌برداری جنسی، قاچاق انسان، خشونت علیه زنان، حقوق کودکان، و پیشگیری و کنترل بیماری‌های مقارتی به مقابله با روسپیگری و ابعاد مختلف این تجارت برخاسته‌اند.

- از منظر قانونی و سیاست‌های حقوقی و قضایی مربوط به روسپیگری، هنوز رویکردهای مختلفی در مواجهه با این پدیده وجود دارد، از جمله رویکرد غیرقانونی شمردن و جرم‌انگاری روسپیگری، اعم از شمول هر دو وجه عرضه و تقاضا یا تمرکز بر یکی از آنها، رویکرد قاعده‌مندگرا براساس کنترل عرضه یا تقاضا یا هردو، رویکرد قانونی شمردن و جرم‌زدایی، و رویکرد محوگر، اعم از جرم‌انگارانه یا جرم‌زدایانه با تمرکز بر کاهش تقاضا. لیکن رویکردها اغلب از تمرکز بر جرم‌انگاری و عرضه محوری به سمت جرم‌زدایی و چندجانبه‌گرایی در حال تغییر است. همچنین سوگیری مجازات‌ها و قضاوت‌ها به سمت عادلانه‌تر شدن متحول شده است.

- از منظر سیاستی و برنامه‌ای و خصوصاً رویکردهای توسعه‌گرا، روسپیگری از عوامل ناپایداری به شمار می‌آید که می‌تواند در وجه اقتصادی باعث ایجاد بازار سیاه، درآمدهای غیرقانونی و فساد اقتصادی، بازتولید فقر و ناتوانی شود. همچنین در وجه اجتماعی باعث ناپایداری خانواده، افزایش نرخ طلاق، گسترش جرم و خشونت، تضییع حقوق بشر زنان و کودکان، برده‌داری و بهره‌کشی از انسان‌ها، کاهش اعتماد اجتماعی، و رشد آسیب‌های اجتماعی گردد؛ و نهایتاً در وجه زیستی، عامل گسترش بیماری‌ها و تهدیدکننده سلامت جوامع باشد. لذا باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار به آن توجه شود. امروزه، در بیشتر سیاست‌گذاری‌ها، م屁股 روسپیگری به عنوان یک مسئله جامعه بشری ادارک شده و سیاست‌های برخورد با آن از سیاست‌های محلی به سمت سیاست‌های جهانی متحول یافته است.

- از منظر جامعه‌مدنی، شاهد ورود نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مدنی ملی و بین‌المللی به این مسئله بوده‌ایم

تحولات جهانی دهه‌های اخیر، بهویژه از ۱۹۹۰ تا به امروز که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود، باعث شده تا پدیده روسپیگری ابعاد گستردگر و پیچیده و بعضاً جهانی به خود بگیرد. واکنش‌های نهادهای بین‌المللی و افزایش گزارش‌های رسمی و آکادمیک در این زمینه نشان می‌دهد که امروزه می‌توان از روسپیگری به عنوان یکی از مسائل جهانی بشر یاد کرد.

در دوره معاصر، پدیده جهانی شدن توأم با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق و از بین رفتان مرزهای جغرافیای سیاسی در جهان دوقطبی سابق مساوی بوده با ایجاد و گسترش پدیده‌هایی همچون جهانی شدن بازار سرمایه (و همزمان بازار تجارت جنسی)؛ گسترش مهاجرت‌های بین‌المللی (و همزمان تقاضا زنان و کودکان برای صنعت سکس)؛ توسعه شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای (و ایجاد شبکه‌های گستردۀ تجارت جنسی)؛ گسترش توریسم بین‌المللی (و توسعه توریسم جنسی و آذان‌های خدمات جنسی در کشورهای مبدأ)؛ رواج شهرنشینی در بیشتر نقاط جهان و گسترش و رشد مناطق حاشیه‌ای و تهییدستان شهری (و ورود اجرایی بخشی از زنان و کودکان این مناطق به تجارت سکس)؛ بروز جنگ‌های قومی و نازارمی‌های داخلی در نقاط مختلف جهان، از بوسنی در اروپا تا رواندا در افریقا و قرقیزستان در آسیا، در کنار جنگ‌های پسالستعماری تحت لوای مبارزه با تروریسم در خاورمیانه از جمله افغانستان و عراق و بی‌پناهی زنان و کودکان و افتادن آنها در دام قاچاقچیان انسان؛ بحران‌های مالی و سرمایه‌داری معاصر و پیامدهای آن از جمله بیکاری، فروپاشی خانواده و معیارهای اخلاقی و از هم‌گسیختگی جوامع؛ و تغییرات ارزشی و اجتماعی جوامع بشری از جمله بالا رفتان سن ازدواج، بلوغ زوردرس نوجوانان، گسترش مصرف مواد مخدر و الکل و رفتارهای پرخطر، بمباران رسانه‌ای در تبلیغ امور جنسی و عوامل متعدد دیگر که باعث بروز واکنش‌های مختلفی در سطح جهانی به این پدیده شده است، از جمله:

- از منظر نهادی، سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت، سازمان بین‌المللی کار، و ده‌ها نهاد بین‌المللی و منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا با وضع کردن کنوانسیون‌ها و قوانین و مقررات بین‌المللی و

بین ۲۰ تا ۳۰ درصد روسپیان ایران نیز مانند روسپیان اکثر کشورها سابقه تجاوز و سوءاستفاده و آزار جنسی و فرار از خانه را در کودکی دارند که البته میزان آن پایین تر از معیار جهانی ۶۵٪ (درصد) است (صابری، ۱۳۸۲؛ علیایی زند، ۱۳۸۳؛ شرافتی پور، ۱۳۸۴؛ مدنی و دیگران، ۱۳۸۶؛ Silbert and Pines, 1984؛ Silbert et al., 2003؛ Brussa, 2009).

پایین بودن سطح تحصیلات و مهارت‌های شغلی از دیگر وجود مشترک بین روسپیان ایران و دیگر کشورهای است (فرمانفرمایان، ۱۳۴۷؛ توریکیان، ۱۳۵۷؛ صدیق سروستانی، ۱۳۷۲؛ مهبدوی، ۱۳۷۸؛ کامرانی فکور، ۱۳۸۱؛ صابری، ۱۳۸۲؛ علیایی زند، ۱۳۸۳؛ وروایی، ۱۳۸۴؛ شرافتی پور، ۱۳۸۴؛ مدنی و دیگران، ۱۳۸۶؛ Brussa, 1999؛ Silbert and Pines, 1984؛ Hughes et al., 1999؛ Silbert and Pines, 2003؛ Farley et al., 2003).

روسپیگری در کلانشهرها و شهرهای توریستی و در بین جمعیت تهدیدست شهری و مهاجر رواج بیشتری دارد. بیشتر روسپی‌ها موارد تجاوز و خشونت را هنگام کار گزارش داده‌اند. مصرف مواد و الکل نیز در میان آنها بالاتر از معیار جامعه است (کامرانی فکور، ۱۳۸۱؛ وروایی، ۱۳۸۴؛ مدنی و دیگران، ۱۳۸۶؛ Farley et al., 2003؛ Silbert and Pines, 1984).

روسپی‌ها غالباً دچار اختلالات روانی خصوصاً افسردگی هستند و بین ۶۰ تا ۷۵ درصد آنها تمایل به ترک روسپیگری دارند (فرمانفرمایان، ۱۳۴۷؛ وروایی، ۱۳۸۴). همچنین تحقیقات و برآوردها حاکی از افزایش روسپیگری کودکان، شیوع پدیده از افشار تهدیدست به طبقات متوسط جامعه، و نشانه‌های تحرک بالا برای روسپیگری در کشورهای منطقه است (مدنی و دیگران، ۱۳۸۶؛ Hughes et al., 1999).

۲۰.۵ تفاوت‌ها

روسپیگری در ایران تفاوت‌های عمدی‌ای هم با دیگر کشورها دارد. اولاً الگوی غالب روسپیگری در ایران کار فردی است و بازار روسپیگری به معنای اقتصادی کاملاً شکل نگرفته است. پایین بودن نرخ رشد درآمدها نسبت به تورم، عدم امکان توسعه و سازمان‌دهی و تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها، پایین بودن نرخ قاچاق خارجیان برای روسپیگری به ایران، و عدم امکان و اطمینان از سرمایه‌گذاری مانع شکل‌گیری بازار روسپیگری شده است. این در

که، علاوه بر گسترش احساس مسئولیت اجتماعی، در بسیاری موارد ناکارآمدی‌های دولتی را پوشش داده است. تحول اخیر در این زمینه شکل‌گیری نهادهای مدنی به کوشش خود کارگران جنسی یا قربانیان صنعت سکس در برخی کشورهای است. تحولات این عرصه بی‌تردید در پیوند با رشد و توسعه جنبش‌های اجتماعی خصوصاً جنبش‌های زنان بوده است.

- از منظر آکادمیک و اندیشه‌ورزی، بحث درباره روسپیگری همواره به سمت شفافیت بیشتر سوق یافته است و صاحب‌نظران برای حل این معضل به شناخت دقیق‌تر آن اقدام کرده‌اند. توجه به عوامل روسپیگری از عوامل فردی به سمت عوامل اجتماعی، و تحلیل‌ها و پژوهش‌ها از مطالعات غیرتجربی و انتزاعی به سمت روش‌های مطالعه میدانی و علمی و تجربی متکیل شده است.

وضعیت فوق این امیدواری را پدید می‌آورد که، در صورت برخورد جدی‌تر و ادامه پایداری روند تغییر روش برخورد با پدیده روسپیگری، آینده عادلانه‌تری در انتظار زنان تن فروش باشد.

پدیده تن فروشی در هر منطقه و کشور تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با دیگر کشورها و مناطق دارد. هرچند نمی‌توان براساس یافته‌های پژوهشی محدود موجود در خصوص شیوع یا نرخ رشد روسپیگری در ایران اظهار نظر دقیق کرد، اما براساس پژوهش‌ها می‌توان گفت که الگوی روسپیگری در ایران به لحاظ پارامترهای اجتماعی (وضعیت آموزش و پیشینه خانوادگی و موقعیت طبقاتی و...) شباهت زیادی با الگوی متوسط جهانی (به غیر از کشورهای افریقایی و کشورهای فقیر آسیای جنوب شرقی و امریکای لاتین) دارد. در ادامه به شباهت‌ها و تفاوت‌های این الگوها با یکدیگر می‌پردازیم.

۲۰.۶ شباهت‌ها

بیشتر روسپیان به لحاظ اجتماعی دارای پیشینه فردی و خانوادگی ناپنهنجاری هستند. در این میان، فقر والدین و معتاد یا مجرم بودن آنان و بدسرپرستی سهم بالاتری در گرایش به روسپیگری دارد (علیایی زند، ۱۳۸۳؛ وروایی، ۱۳۸۴؛ مدنی و دیگران، ۱۳۸۶؛ Farley et al., 2003؛ Brussa, 2009؛ Silbert and Pines, 1984).

اشغال، فقر، و بالا رفتن هزینه‌های زندگی اشاره کرد. در وجه اجتماعی، جوانی جمعیت، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش نرخ طلاق و ناپایداری خانواده، افزایش شهرنشینی تک‌سری (ماکروفالی) توانم با ازدیاد فقرای شهری و مهاجرت، شکاف طبقاتی و احساس محرومیت در کنار آنومی اجتماعی می‌تواند از جمله عوامل ایجاد و تشدید روسپیگری باشد. در وجه فرهنگی نیز رشد ارزش‌های مادی، قرار گرفتن روزافون و گریزنایپذیر در معرض ارزش‌های لذت‌گیریانه سرمایه‌داری جهانی، و کالایی شدن دمافون هرچیزی همزمان با سیستم شدن ارزش‌های فرهنگی گذشته را می‌توان از جمله عوامل تهدید برآورده. نهایتاً ساختار سیاسی کشور، که تأثیر بی‌واسطه‌ای بر سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانین و مقررات دارد، به طور انعطاف‌ناپذیری از مواجهه شفاف با این پدیده سر باز می‌زند، شرایطی که یادآور رویه گذشته در مواجهه با معضلاتی همچون اعتیاد یا ایدز است.

با وجود این، جامعه ایران ظرفیت‌هایی نیز در مواجهه با این پدیده در خود دارد. اعتقادات مذهبی و ارزش‌های اخلاقی همواره در طول تاریخ جایگاه مهمی در فرهنگ جامعه ایرانی داشته است. پایداری ساختارهای سنتی مبتنی بر قومیت و مذهب، ارزش کرامت انسان‌ها به‌ویژه زنان و کودکان، وجود کنترل و نظارت اجتماعی غیررسمی و سنتی در بسیاری از شهرهای ایران به‌ویژه شهرهای متوجه و کوچک، اهمیت خانواده و پیوند آن با خویشاوندی به عنوان عامل هویت‌ساز، سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های جدی دین اسلام به عنوان دین اغلب مردم ایران در روابط جنسی و تأکید آن بر خانواده و بعض‌اً ظرفیت‌های قابل تفسیرش در روابط جنسی همچون صیغه، در کنار محدودیت‌های ساختاری و قانونی نظام حاکم برآمده از انقلابی با ایدئولوژی اسلام شیعی که باعث ایجاد نظام قضایی و قانون فقهه‌منا شده و منجر به نظارت و کنترل رسانه‌ها و تبلیغات، روابط اجتماعی مرد و زن در عرصه‌های عمومی و گاه خصوصی، تبلیغ خانواده‌گرایی و حمایت‌های دولتی هرچند محدود از آن، ممنوع شدن فعالیت کلوب‌ها، بارها و فضاهای عمومی از این دست، محدود شدن فعالیت‌های توریسم در ایران، وجود انواع سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های مرتبط با روابط جنسی باعث کنترل ضمیمی پدیده روسپیگری شده است، هرچند که برخی از موارد فوق ممکن است تنها با نگاهی یکجانبه در مهار روسپیگری مفید باشد و جوانب چالش برانگیز دیگری داشته باشد.

حالی است که کشورهای مجاور از جمله پاکستان، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، برخی جمهوری‌های تازه استقلال یافته شمالی، و بازارهای مثل هند و کشورهای آسیای جنوب شرقی تجارت پررونقی در این حیطه دارند. ثانیاً تهدید این پدیده در ایران بیشتر محدود به سلامت خود روسپی‌هاست و جنبه اجتماعی آن در حد بحرانی نیست. با آنکه موارد انتقال ایدز ناشی از روابط پرخطر جنسی افزایش یافته است، اما آگاهی‌های جنسی روسپیان و محافظه‌کاری مشتریان موجب مهار ضمیمی خطر شده است که البته نمی‌تواند نشان‌دهنده وجود سازوکار قابل اتکایی برای آینده باشد. ۲۲ در بعد اجتماعی نیز سن ورود به روسپیگری در ایران بین ۱۶ تا ۲۲ سال و هنوز بالاتر از معیار جهانی است (Farley et al., 1996 و Lowman and Frasser, 1996)؛ هرچند که تحقیقات نشان می‌دهند این سن در حال کاهش است (فرمانفرمائیان، ۱۳۴۷؛ صابری، ۱۳۸۲؛ علیایی زند، ۱۳۸۳؛ وروایی، ۱۳۸۴؛ شرافتی‌پور، ۱۳۸۴؛ مدنی و دیگران، ۱۳۸۶؛ Farley et al., 2003؛ Brussa, 2009؛ Silbert and Pines, 1984 (Lowman and Frasser, 1996؛ Hughes et al., 1999).

موارد بی‌خانمانی در بین روسپیان مورد مطالعه در ایران بسیار پایین گزارش شده است.

همچنین به لحاظ حقوقی، ایران از محدود کشورهایی است که در آن قوانین روشن و وحدت رویه در برخورد با تن‌فروشی وجود ندارد و مجازات این کار ممکن است حتی تا اعدام نیز تعیین شود. در سمت تقاضا نیز، به دلیل تنوع نداشتن عرضه به خصوص در قالب آژانس‌های خدمات جنسی، مشتریان روسپیگری در ایران در تمام طبقات اجتماعی و گروه‌های درآمدی متقاضی روسپی‌های خیابانی‌اند و تفکیک بازار هنوز به طور کامل صورت نگرفته است (مدنی و روشن‌فکر، ۱۳۸۸).

۵. چالش‌ها

کشور ایران از جمله جوامع کم توسعه یافته است که تأمل در ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌تواند بسیاری از تهدیدهای مرتبط با این پدیده را نمایان سازد. در وجه اقتصادی، از میان عوامل ایجاد‌کننده و گسترش‌دهنده مشکلات و آسیب‌های اجتماعی از جمله روسپیگری، می‌توان به بالا بودن نرخ بیکاری همزمان با محدودیت ظرفیت صنایع و بازار برای ایجاد

- دانشگاه تربیت مدرس.
- کولایی، الهه. (۱۳۸۴)، نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی (با تأکید بر خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا)، تهران، دانشگاه تهران.
- کنیا، مهدی. (۱۳۶۹)، جامعه‌شناسی جنایی، تهران، دانشگاه تهران.
- گرت، استیفانی. (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، تهران، نشر دیگر، ج. ۲.
- گیدنر، آنتونی. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ج. ۴.
- مدنی قهفرخی، سعید، ژاله شادی طلب و فریبرز ریس دانا. (۱۳۸۶)، ارزیابی سریع وضعیت تن فروشی با تأکید بر رفتارهای مرتبط با ایدز در شهر تهران، دفتر جمعیت سازمان ملل در تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مرکز مدیریت بیماری‌ها)، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- مدنی قهفرخی، سعید و پیام روشن فکر. (۱۳۸۸)، «ویژگی‌های مشتریان تن فروشی از دیدگاه زنان تن فروش خیابانی شهر تهران»، رفاه اجتماعی، ش. ۳۴.
- مرتوس، جولی. (۱۳۸۲)، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، نشر مادر.
- مظلومان، رضا. (۱۳۵۱)، جامعه‌شناسی کیفری (جزوه)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- معتمدی، مهدی. (۱۳۸۰)، روزنامه حیات نو (۱۳۸۰/۸/۲۷)؛ روزنامه توسعه (۱۳۸۰/۹/۱۱).
- _____. (۱۳۸۲)، روزنامه شرق (۱۳۸۲/۸/۴)، روزنامه همیستگی (۱۳۸۲/۸/۱۱).
- _____. (۱۳۸۳)، روزنامه/برار (۱۳۸۳/۴/۲۱)؛ روزنامه جمهوریت (۱۳۸۳/۴/۲۳)؛ روزنامه حام جم (۱۳۸۳/۷/۱۹)؛ روزنامه/عتماد (۱۳۸۳/۱۲/۱۹).
- _____. (۱۳۸۴)، روزنامه جوان (۱۳۸۴/۱/۳۰)؛ روزنامه مردم‌سالاری (۱۳۸۴/۲/۱۸).
- معینی. (۱۳۸۲)، روزنامه شرق (۱۳۸۲/۸/۱۹).
- معینی، نفیسه. (۱۳۸۱)، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، هویت مذهبی و حمایت‌های اجتماعی زنان ویژه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- مهراجر، فیروزه. (۱۳۸۶)، روسپیگری در ادبیات معاصر فارسی، در: زنستان، وبگاه مرکز فرهنگی زنان.
- مهبودی، مسعود. (۱۳۷۸)، مقایسه سبک اسناد علی زنان ویژه با زنان عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. (۱۳۸۴)، «زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری»، مجموعه مقالات زن و حقوق کیفری، به کوشش نسرین

سرانجام نباید از این نکته غافل بود که نداشتن اطلاعات شفاف و شناخت علمی از این پدیده قضاوت دقیق در مورد تغییر شکل و بروز و شیوع آن در لایه‌های پنهان و پیامدهای غیرمستقیم آن را دشوار و مخدوش می‌سازد.

منابع

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی توسعه، با همکاری غلامرضا غفاری، تهران، نشر کلمه.
- انتظامی. (۱۳۸۳)، روزنامه نسیم صبا (۱۳۸۳/۱/۲۴).
- بداغی، فاطمه. (۱۳۸۱)، «خلأهای قانونی و انحرافات اجتماعی»، فصلنامه سورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش. ۱۷ و ۱۸.
- تورس، اماری لیس و روزاریودل روزاریو. (۱۳۷۵)، جنسیت و توسعه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو.
- توریکیان، هوریکیان. (۱۳۵۷)، بررسی شمای اقتصادی و اجتماعی روسپیان از کارافتاده ساکن قلعه شهر نو، پایان نامه کارشناسی ارشد خدمات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۴)، بررسی رفتارهای خطرساز جوانان با تأکید بر روابط جنسی آزاد (مطالعه موردی شهر تهران)، تهران، سازمان ملی جوانان.
- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱)، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران، نشر قطره.
- شرافتی‌پور، جعفر. (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی.
- صابری، زهرا. (۱۳۸۲)، بررسی ویژگی‌های خانوادگی، اجتماعی زنان روسپی در مقایسه با زنان عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- صادیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۷۲)، فاصله فروماندگی تا فرومایگی (نگرشی جامعه‌شناختی به ویژگی‌ها و وضعیت زنان و دختران آسیب‌دیده اجتماعی در مراکز بازپروری)، شورای پژوهشی دانشگاه تهران.
- علیایی زند، شهین. (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل مؤثر در گرایش به روسپیگری»، رفاه/اجتماعی، ش. ۵.
- فرمانفرما میان، ستاره. (۱۳۶۷)، روسپیگری در شهر تهران، تهران، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- قالیباف، احمد. (۱۳۸۱)، روزنامه جوان (۱۳۸۱/۱۱/۲۱).
- قرایی مقدم، احمد. (۱۳۸۴)، روزنامه همیستگی (۱۳۸۴/۱۱/۴).
- کامرانی فکور، شهربانو. (۱۳۸۱)، بررسی مقایسه‌ای خصوصیات روان‌شناسی زنان ویژه با زنان عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی،

- Mehran, Tehran, انجمن ایرانی حقوق جزا، مهران، تهران، انجمن ایرانی حقوق جزا.
- وروایی، اکبر. (۱۳۸۴)، بررسی عوامل روسیگری خیابانی در تهران بزرگ، پایان نامه دکتری حقوق، دانشگاه تهران.
- Disorder", *Journal of Trauma Practice* 2/3-4: 33-74; also available at: www.prostitutionresearch.com
- Fieldwork, D. and A. Browne. (1989), *Initial and Long-term Effects: A Conceptual Framework*.
- Hughes, Donna M., Laura Joy Sporic and Nadine Z. Mendelsohn. (1999), Factbook on Global Sexual Exploitation, Coalition Against Trafficking in Women CATW, available at: <http://www.uri.edu/artsci/wms/hughes/factbook.htm>
- Human Rights Organizations in Pakistan. (1995), *Trafficking in Women and Children: The Cases of Bangladesh*.
- Iijima, Masako. (1998), "S. Asia Urged to Unite against Child Prostitution", Reuters.
- Kaban, E. (1998), "UN Labour Body Urges Recognition of Sex Industry", Reuters, 18 August.
- Karmer, L. (2003), "Emotional Experiences of Performing Prostitution", in: M. Farley (ed.).
- Lambiet. (1998), "End Child Prostitution", in *Asian Tourism Study*.
- Lowman, J. and L. Frasser. (1996), *Violence Against Persons Who Prostitutes: The Experience in British Columbia, Canada*, Department of Justice.
- Miller, J. (1995), "Gender and Power on the Streets: Street Prostitution in the Era of Crack Cocaine", *Journal of Contemporary Ethnography*.
- Raphael, J. and D. L. Shapiro. (2002), *Sisters Speak Out: The Lives and Needs of Prostituted Women in Chicago*, Illinois: Center for Impact Research.
- Saardsorn, Preecha. (1998), "Saudi Women Procurer Surrenders before Police", *The Nation*.
- Sarwar, Beena. (1997), Rights – South Asia: Slavery Still A Thriving Trade, IPS, available at: www.ipsnews.net
- Silbert, M. H. and A. M. Pines. (1984), *Pornography and Sexual Abuse of Women*.
- Sinha, Indrani. "Paper on Globalization and Human Rights", SANLAAP India.
- Specter, Michael. (1998), "Traffickers' New Cargo: Naive Slavic Women", *New York Times*.
- Sugandhi, Mien. (1997), "Hundreds of RI's Women Believed to Work as Prostitutes in Saudi Arabia", Kompas.
- Abdel Kader, Soha. (1997), "Hypocrisy and Sex Crime", *Middle East Times*.
- Agnote, D. (1998), "Sex Trade: Key Part of S.E. Asian Economies, Study Says", Kyodo News, 18 Augest.
- AI International Secretariat. (1998), "Women in Afghanistan: A Human Rights Catastrophe", Amnesty International, 27 May.
- Anatolian News Agency. (1998), "Turkish Prostitutes on Strike over Police Pressure", Reuters.
- Antaseeda, Poona. (1998), "Expert Urges Global Law to End Child Pornography on the Internet", *Bangkok Post*.
- Awan, Zia Ahmed. (1997), "Rights – South Asia: Slavery Still A Thriving Trade", IPS, 29 December.
- Brussa, Licia. (2009), Sex Work in Europe: A Mapping of the Prostitution Scene in 25 European Countries, Netherlands, TAMPEP International Foundation, available at: www.tampep.eu
- Bullough, B. and V. I. Bullough. (1996), "Female Prostitution: Current Research and Changing Interpretation", *Annual Review of Sex Research* 7.
- CEDAW Report. (1997), *Women's Prison*.
- Coalition Against Trafficking Women (CATW). (1997), Trafficking in Women and Prostitution in the Asia Pacific, CEDAW Report, available at: <http://www.catw-ap.org>
- Connolly, Kevin and Asaf Hefetz. (1998), "How Russia's Mafia is Taking over Israel's Underword", BBC.
- Dalla, R. L. (2000), "Exposing the 'pretty woman' Myth: A Qualitative Examination of the Lives of Female Streetwalking Prostitutes", *Journal of Sex Research*.
- Eaves, Elisabeth. (1998), "Israel Not the Promised Land for Russian Sex Slaves", Reuters.
- Farley, M., A. Cotton, J. Lynne, S. Zumbeck, F. Spiwak, M. E. Reyes, D. Alvarez and U. Sezgin. (2003), "Prostitution and Trafficking in Nine Countries: An Update on Violence and Post-Traumatic Stress

- Widom, C. S. (1995), *Victims of Childhood Sexual Abuse – Later Criminal Connections*, National Institute of Justice.
- World Bank and UNAIDS. (2000), *A Situational Analysis Guide on Sex Work in West and Central Africa*, West Africa Initiative for a Response to the HIV / AIDS Epidemic.
- United Nations. (1989), Convention of the Rights of the Child, available at: <http://www.unicef.org/crc/>
- United Press International. (1998), "Jordan Expels HIV-infected Foreigners".
- Vandenberg, Martina. (1997), "Invisible Women Shoen", in Russia's Demographics.
- Vanwesenbeeck, I. (1994), *Prostitute, Well-Being and Risk*, Amsterdam, VU University Press.

